

Research Article

The Moderating Effect of Organizational Knowledge Management on the Correlation between Intellectual Asset and Financial Sustainability with a Structural Equation Approach¹

Azar Moslemi¹, Marzieh Shariati², Saeed Darbandi Farahani³

¹ Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. Azar.moslemi.kh@gmail.com

² Ph.D., Department of Accounting, Faculty of Management, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. marziyehshariati@gmail.com

³ Ph.D., Student, Department of Accounting, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran
(Corresponding author). safarahani1358@yahoo.com

Abstract

The present era can be named the age of management. With respect to the fact that disclosure of intellectual assets in the international level is growing, the corporations are putting their competitive and distinctive advantage in knowledge management strategies which should use intellectual assets as a source of producing organizational performance priority and value. According to the approach of beneficiaries, the sustenance of the corporations' activities, competitions, and stable relationship depends on sustainability accounting functions. Therefore, the corporates stabilize their transactions using relevant structures and by reporting the sustainability, they can reform and inform their performance. Thus, evaluation and disclosure of intellectual asset as an innovative value has been considered by the beneficiaries who have contradictory interests. The purpose of the present research is to review the role of knowledge management on the correlation between intellectual asset and sustainability accounting structures of the corporations accepted in the stock exchange from 2015 to 2019. The research statistical sample composed of the financial managers and experts in the corporations under study and for data collection, some standard and research made questionnaires as well as financial bills were used. After reliability and validity testing, data analysis and hypothesis testing was conducted using Structural Equation Method (SEM) and Smart-PLS software. The results indicate that accounting sustainability structures of the corporations significantly and directly are influenced by the evaluation and reporting of intellectual assets and that organizational knowledge management fosters this positive and significant correlation. Assessment and disclosure of intellectual assets makes the corporations achieve sustainability accounting structures with higher quality.

Keywords: Intellectual Asset, Accounting Structures, Organizational Knowledge Management, Organizational Knowledge, Financial Sustainability, Structural Equation.

1. Received: 2022/04/01 ; Revised: 2022/05/06 ; Accepted: 2022/06/21 ; Published online: 2022/09/27

© the authors

Publisher: Qom Islamic Azad University



اثر تعدیلی مدیریت دانایی سازمانی بر رابطه سرمایه فکری و پایداری مالی با رویکرد معادلات ساختاری^۱

آذر مسلمی^۱، مرضیه شریعتی^۲، سعید دربندی فراهانی^۳

^۱ استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. Azar.moslemi.kh@gmail.com

^۲ دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. marziyehshariati@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (نویسنده مسئول). safarahani1358@yahoo.com

چکیده

عصر حاضر را می‌توان عصر مدیریت‌ها نامید. با توجه به اینکه آثار افشای ابعاد سرمایه‌های فکری در سطح جهانی در حال رشد است، شرکت‌ها مزیت رقابتی و متمایز خود را در میزان حاکمیت راهبرد مدیریت دانایی قرار داده‌اند و در این شرایط، مدیریت دانش باید از سرمایه فکری به عنوان منبعی برای تولید ارزش و اولویت عملکرد سازمان‌ها استفاده کند. طبق رویکرد ذینفعان، تداوم فعالیت، رقابت شرکت‌ها و حفظ روابط پایدار با ذینفعان، وابسته به کارکردهای حسابداری پایداری است. لذا، شرکت‌ها عملیات خود را با استفاده از سازه‌های مربوطه، پایدار کرده و با گزارشگری پایداری، عملکرد خود را اندازه‌گیری و اطلاع‌رسانی می‌کنند. لذا، ارزشیابی و افشای سرمایه فکری به عنوان ارزشی نوآورانه، مورد توجه ذینفعان با منافع متضاد، قرار گرفته است. هدف این پژوهش، بررسی نقش مدیریت دانایی بر رابطه بین سرمایه فکری و سازه‌های حسابداری پایداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ است. جامعه آماری پژوهش، مدیران و کارشناسان مالی شرکت‌های مورد بررسی بوده و جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های استاندارد، پژوهشگر ساخته و صورت‌های مالی حسابرسی شده استفاده شده است. پس از انجام آزمون‌های پایایی و روایی داده‌ها، تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رویکرد تحلیل مسیر معادلات ساختاری (SEM) و نرم افزار smart-pls صورت گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سازه‌های پایداری حسابداری شرکت‌ها بر اساس رابطه‌ای مستقیم و معنادار تحت تأثیر سنجش و گزارشگری سرمایه فکری قرار می‌گیرد و مدیریت دانایی سازمانی رابطه مثبت و معنادار موجود را تقویت می‌کند. سنجش و افشای سرمایه فکری، منجر به دستیابی شرکت‌ها به سازه‌های حسابداری پایداری با کیفیت بالاتر می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه فکری، سازه‌های حسابداری، مدیریت دانش سازمانی، مدیریت دانایی سازمانی، پایداری مالی، معادلات ساختاری.

۱. مقدمه

امروزه اقتصاد شرکت‌ها و کشورها مبتنی بر دانش می‌باشد (نخعی و انصاری، ۱۳۹۹) و سازمان‌ها دریافته‌اند که هیچ سرمایه‌ای به اندازه دانش نمی‌تواند برای آن‌ها مزیت رقابتی مطلوب فراهم سازد. لذا، بیش از هر عامل دیگری، کارکنان سازمان به‌عنوان صاحبان دانش و مهم‌ترین سرمایه‌های سازمان مورد توجه قرار گرفته‌اند و مدیریت دانش به‌عنوان ابزاری که می‌تواند دانش موجود را گردآوری، نظم و پویایی بخشیده و در کل سازمان گسترش دهد، اهمیت یافته است.

در اقتصاد دانشی، سرمایه‌های فکری از ارزش و اهمیت بیشتری نسبت به سرمایه‌های فیزیکی برخوردارند و به تعبیری، از ضرورت‌های توسعه علمی، تکنولوژیکی و اقتصادی کشورها به حساب می‌آیند (خلیلی، ۱۳۹۸). با این وجود، گزارشگری مالی سنتی فاقد اطلاعات مرتبط با این منابع ارزشمند می‌باشد (دیانتی دیلمی و رمضانی، ۱۳۹۲) و به اندازه کافی نمی‌تواند نیازهای سنجش و افشای این آثار را برآورده سازد. لذا، در این زمینه، تغییر در رویه‌های گزارشگری به شدت احساس می‌شود، زیرا سازمان‌ها جهت بقا و تداوم اثربخشی و کارآمدی فعالیت‌های خود، ناگزیرند در برابر تغییرات محیطی به صورت پویا و نوآورانه عمل کنند (مالیک و همکاران، ۲۰۲۰). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سنجش و گزارشگری سرمایه فکری می‌تواند منجر به پیامدهای اقتصادی بااهمیتی شود (لامبرت، لنز و ورکوهیا، ۲۰۰۶). همچنین این سنجش در کشورهای در حال توسعه می‌تواند نتایج مطلوبی داشته باشد (یو و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، سازمانی پیشرو و موفق است که در این مقوله، قدرتمند باشد (نیکومرام و یاری، ۱۳۸۸). بر این اساس، مدیریت، برنامه‌ریزی، تخصیص، سنجش و افشای سرمایه‌های فکری، شاخص‌های مهمی در تعیین توان رقابتی بنگاه‌ها برای بقا و رشد پایدار در اقتصاد دانشی می‌باشند.

بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۳)، سنجش کارایی عملیات ایجاد ارزش شرکت (حیدرپور و فولادی، ۱۳۹۴)، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی (قربانی، ۱۳۹۵؛ فغانی و همکاران، ۱۳۹۸)، افزایش قدرت رقابت و اقتدار شرکت‌ها (امجدی و همکاران، ۱۳۹۷)، تقلیل مشکلات و مسائل نمایندگی (فغانی و همکاران، ۱۳۹۸)، کاهش هزینه سرمایه (محمدزاده سالطه و همکاران، ۱۳۹۹)، دستیابی به عملکرد رشد پایدار (گمزلج و اسمولچچ، ۲۰۱۶؛ راستوگی، ۲۰۰۳)، ایجاد منبعی اساسی در تحقق نوآوری و توسعه محصولات و خدمات و فرآیندهای تولیدی (بديع و شایستگی‌های سازمانی (دلگادو و همکاران، ۲۰۱۶)، تأثیر مساعد بر سودآوری (کیونگ تینگ و لین، ۲۰۱۷)، افزایش ارزش‌افزوده برای ذینفعان کلیدی (ونگ و همکاران، ۲۰۱۶)، ارزش‌آفرینی و دستیابی به مزیت رقابتی (یوسف و همکاران، ۲۰۱۹)، توسعه اقتصادی شرکت

(گاراچی و همکاران، ۲۰۲۰)، تخصیص مناسب منابع و به حداقل رساندن هزینه‌های سازمان، در دسترس قرار دادن اطلاعات سرمایه‌گذاری موجود و بالقوه سازمان برای پیش‌بینی رشد آینده و برنامه‌ریزی استراتژیک، شفافیت در پاسخگویی مدیریت، تداوم فعالیت و حفظ و تقویت منافع ذینفعان، مرهون بهره‌گیری از سرمایه‌فکری در اقتصاد دانشی است و به‌عنوان یک عامل اصلی رشد و در نهایت ایجاد مزیت رقابتی شرکت، به رسمیت شناخته شده است (هالند، ۲۰۰۳) و تحقق این امر، با سنجش و شناخت وضعیت این سرمایه‌ها امکان‌پذیر می‌باشد (زاهدی و پاپلی، ۲۰۱۸؛ پیری و همکاران، ۲۰۲۰). در مقابل، نتایج پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهد که کاهش در افشاء و عدم شناسایی سرمایه‌فکری، منجر به ناکارآمدی تصمیمات سرمایه‌گذاری، افزایش تفاوت بین ارزش بازار و ارزش دفتری (امیر و لو، ۱۹۹۶؛ برنان، ۲۰۰۱؛ مورتیسن و همکاران، ۲۰۰۴) و کاهش مربوط بودن سود (فرانسیس و شیپر، ۱۹۹۹) می‌شود.

با توجه به تئوری مبتنی بر منابع شرکت، مزیت رقابتی زمانی به وجود می‌آید که شرکت‌ها از منابع مالی و غیرمالی خود برای بهره‌گیری از نقاط قوت داخلی و خنثی کردن نقاط ضعف خارجی استفاده کنند. ایده اصلی سنجش و گزارش سرمایه‌فکری، نشان دادن پتانسیل آینده شرکت است و با در نظر گرفتن چشم‌اندازهای شرکت در آینده، عدم اطمینان‌های پیش‌رو را کاهش می‌دهد، موضوعی که گزارشگری مالی سنتی فاقد آن است. تئوری ذینفعان سعی در توجه و برآوردن نیاز نه‌تنها سهامداران، بلکه سایر گروه‌های مدعی و حتی نسل‌های آینده دارد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۰). در کانون رابطه قراردادی بین شرکت و ذینفعان، توجه به آینده قرار دارد و آینده از طریق پایداری، مشهود خواهد شد (برگ بید و همکاران، ۱۴۰۰). پایداری، مفهومی است که هم در مباحث جهانی‌سازی و هم در مقابل عملکرد شرکت، مطرح شده و تعاریف متعددی برای آن بیان شده است (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۰). منظور از توسعه پایدار شرکت‌ها، تمام استراتژی‌ها و فعالیت‌هایی است که نیازهای ذینفعان امروز را برآورده می‌کند و در عین حال، منابع انسانی و طبیعی مورد نیاز نسل آینده را نیز حفظ می‌نماید (گاریگا و مل، ۲۰۰۴). بر این اساس، طیف وسیعی از ذینفعان گزارشگری مالی شرکت‌ها با داشتن منافع متضاد، به‌دنبال سنجش و گزارشگری سرمایه‌های فکری می‌باشند و عدم توجه به خواسته ذینفعان در بلندمدت، آثار زیان‌باری را به شرکت تحمیل خواهد کرد. تأمین منافع ذینفعان در این زمینه، منجر به حفظ و تقویت روابط با ذینفعان شرکت شده و دوام فعالیت و توسعه اقتصادی شرکت‌ها را در بلندمدت تضمین می‌کند و مدیران با در نظر گرفتن این روابط به‌عنوان دارایی‌هایی که برای شرکت ثروت‌آفرینی می‌کنند، باید آن‌ها را مدیریت نمایند. از این دیدگاه، شرکت زمانی ارزش‌آفرینی می‌کند که روش مدیریتی آن شامل ابعاد و خصوصیات مختلف به‌ویژه در ارتباط با

یکپارچه‌سازی ابعاد و سازه‌های گزارشگری پایداری باشد. تغییر ماهیت کسب‌وکارها به اقتصاد دانشی و ایجاد نوآوری در ارزش‌ها، مربوط بودن و سودمندی سازه‌های گزارشگری پایداری مالی شرکت‌ها را تحت الشعاع خود قرار داده است. حرکت شرکت‌ها به سمت پایداری، موجب بهبود عملکرد و توسعه فعالیت‌های آن‌ها به‌واسطه مدیریت ابعاد و سازه‌های پایداری می‌شود. این پایداری بیانگر کیفیت روابط با ذینفعان بوده و می‌تواند اصل رهنمون‌کننده برای تصمیم‌گیری مدیران و رکن اصلی یک راهبرد جامع شرکتی باشد. لذا، اندازه‌گیری و گزارشگری سرمایه فکری در جهت تأمین منافع ذینفعان، بهبود عملکرد و تداوم فعالیت، باید به‌عنوان هدف اساسی در گزارشگری نوین مدنظر قرار گیرد.

تاکنون مطالعات بسیاری در مورد سرمایه فکری و حسابداری پایداری انجام شده است، اما نقش مدیریت دانایی سازمانی بر رابطه بین سرمایه فکری و سازه‌های حسابداری پایداری، ازجمله مواردی است که تاکنون پژوهشی در رابطه با آن صورت نگرفته است؛ بنابراین تحقیق حاضر از این نظر می‌تواند جزء موضوعات بااهمیت در حوزه پژوهش باشد. در تحقیق حاضر، به‌دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا مدیریت دانش سازمانی بر رابطه میان سرمایه فکری و سازه‌های حسابداری پایداری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد؟ بدین منظور، ابتدا مبانی نظری پژوهش به تبیین سرمایه فکری، سازه‌های حسابداری پایداری و مدیریت دانش سازمانی می‌پردازد و سپس پیشینه، فرضیه‌های تحقیق و روش‌شناسی پژوهش ارائه می‌گردد. سپس یافته‌های پژوهش ارائه و مورد تفسیر قرار خواهند گرفت و بخش پایانی تحقیق حاضر، به بحث و نتیجه‌گیری اختصاص می‌یابد.

۲. مبانی نظری پژوهش

ویژگی تعدد تعاریف برای یک مفهوم، نشان‌دهنده اهمیت و نقش آن مفهوم در موضوعات پژوهشی است. این ویژگی در مورد سرمایه‌های فکری مصداق دارد. برای ارائه تعریف روشنی از سرمایه‌های غیرفیزیکی و فکری و تعیین وجه تمایز با سایر سرمایه‌ها، درنگ و تعمقی خاص لازم است. سرمایه فکری تحت عناوینی همچون دارایی‌های ناملموس، دارایی‌های دانش‌محور، سرمایه دانشی، دارایی‌های اطلاعاتی، سرمایه‌های انسانی، ارزش‌های پنهان، سرمایه‌های غیرفیزیکی، سرمایه‌های نامشهود و معنوی ... مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌طور کلی، تعاریف متعددی از سرمایه فکری ارائه شده است (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۳) و اغلب در هریک از تعاریف ارائه شده، بر جنبه‌ای خاص از ابعاد این نوع سرمایه تأکید شده است. وجه اشتراک تعاریف این است که سرمایه فکری، ساختاری چندبعدی دارد که سطوح فردی، اجتماعی، درون و برون‌سازمانی را در

برمی‌گیرد و تنها مربوط به دانش فرد نمی‌شود، بلکه شامل دانش ذخیره‌شده در سازمان، فرآیندهای تجاری، سیستم‌ها و ارتباطات سازمان نیز می‌باشد (چانگ، ۲۰۰۷). تقریباً تمامی پژوهشگران و صاحب‌نظران سرمایه‌فکری، در این زمینه اتفاق نظر دارند.

۲-۱. ابعاد سرمایه‌فکری

ابعاد مختلف سرمایه‌فکری، بیانگر رویکردها و فرآیندهای به‌کارگیری دانش در سازمان‌ها است. برای سرمایه‌فکری دسته‌بندی‌های گوناگونی ارائه شده است. بسیاری از پژوهشگران از جمله نمازی و ابراهیمی (۱۳۸۸ و ۱۳۹۰) و ایزدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۲)، سرمایه‌فکری را به سه جزء داخلی، خارجی و انسانی تقسیم کرده‌اند. همچنین بوتیس (۱۹۹۸)، سرمایه‌فکری را به سه دسته سرمایه انسانی، ساختاری (سازمانی) و اجتماعی (ارتباطی یا مشتری) تقسیم نموده است (چانگ، ۲۰۰۷). در مجموع، در اکثر پژوهش‌ها سه بُعد انسانی، ساختاری و اجتماعی مورد بررسی و تأکید بیشتری قرار گرفته‌اند.

۲-۱-۱. سرمایه‌انسانی

وجود ویژگی تعدد تعاریف در سطح کل برای سرمایه‌فکری، در سطح اجزاء و ابعاد آن نیز صادق است. وجه مشترک تمامی دسته‌بندی‌های مربوط به سرمایه‌فکری، وجود بُعد سرمایه‌انسانی در تمامی آن‌هاست. این بُعد از سرمایه‌فکری، اولین و مهم‌ترین جزء رویکردهای سرمایه‌فکری است و بیانگر دانش، مهارت و رفتار کارکنان در رابطه با بهبود عملکرد از نظر مشتریان و سودآوری از نظر سازمان (عرفانیان خانزاده، نجف‌بیگی و دانش‌فرد، ۱۳۹۴) و ویژگی‌های رهبری مدیران ارشد، نوآوری‌ها، انگیزش (بُعد مالی و بُعد غیرمالی) و قابلیت‌سازگاری است (نیکبخت و همکاران، ۱۴۰۰) که دارای منافع رقابتی بادوام برای شرکت‌ها می‌باشد. به همین دلیل، سازمان‌ها برای ایجاد درآمد، بهبود کارایی و بهره‌وری، تا میزان زیادی به دانش و مهارت‌های کارکنان خود متکی هستند (روسلندر، ۱۹۹۷). چن و همکاران (۲۰۰۴)، سرمایه‌انسانی را به سه جزء شایستگی، نگرش و خلاقیت کارکنان تقسیم کرده است. در مجموع، سرمایه‌انسانی نشان‌دهنده دانش کارکنان می‌باشد.

۲-۱-۲. سرمایه‌ساختاری

فرهنگ شرکت، ساختار، فرآیندها و رویه‌های کاری، زیرساختارهای حمایت‌کننده از سرمایه‌انسانی در انجام وظایف هستند که در تملک سازمان می‌باشند (نیکبخت و همکاران، ۱۴۰۰). سرمایه‌ساختاری شامل ذخایر غیرانسانی دانش در سازمان‌ها که در برگزیده پایگاه‌های داده، نمودارهای سازمانی، دستورالعمل‌های اجرایی فرآیندها، استراتژی‌ها، برنامه‌های اجرایی و به‌طور کلی

هر آنچه که ارزش آن برای سازمان بالاتر از ارزش مادی آن باشد، است و با این رویکرد و ابزارها، محیطی ایجاد می‌کند که دانش از طریق آن، تولید و به بازار عرضه می‌شود (اسویبی، ۱۹۹۷). به طور خلاصه، سرمایه ساختاری شامل دانشی است که در پایان یک روز کاری، در داخل سازمان باقی می‌ماند (موارد روتین، روندها، پایگاه‌های داده و...). چن و همکاران (۲۰۰۴)، پنج جزء فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی، یادگیری سازمانی، فرآیند عملیاتی و سیستم اطلاعاتی را برای سرمایه ساختاری تعریف کرده است.

۲-۱-۳. سرمایه اجتماعی (ارتباطی یا مشتری‌مداری)

سرمایه اجتماعی، مهم‌ترین بُعد سرمایه فکری در ایجاد ارزش افزوده است و شامل روابط داخلی و خارجی با ذینفعان سازمان می‌باشد. کانال‌های توزیع و رضایت و وفاداری مشتریان، از اساسی‌ترین عوامل ایجاد ارزش افزوده در سازمان‌ها به‌شمار می‌روند. از دیدگاه سازمانی، این نوع سرمایه می‌تواند به سازمان‌ها در خلق و تسهیم دانش کمک‌رسان بوده و به‌واسطه کاهش هزینه‌ها موجب می‌شود که سازمان در مقایسه با سازمان‌های دیگر، به مزیت رقابتی پایدار دست یابد (پتی و گیوتری، ۲۰۰۰). سرمایه ارتباطی، به منابع مرتبط با روابط بیرونی که سازمان با مشتریان، تأمین‌کننده‌ها و شرکاء دارد، اشاره می‌نماید. چن و همکاران (۲۰۰۴)، اجزای سرمایه اجتماعی را شامل قابلیت‌های اساسی بازاریابی، شدت بازار و وفاداری مشتری می‌دانند.

علی‌رغم نقش راهبردی و فعال سرمایه‌های فکری، با در نظر گرفتن تعاملات و درهم‌تافتگی مابین اجزای مختلف آن و ویژگی‌های منحصر به فرد سرمایه فکری، سیستم حسابداری سنتی قادر به سنجش و گزارشگری آن نمی‌باشد. همچنین عدم تدوین تئوری با مدل اقتصادی واقعی (ثریایی و همکاران، ۱۳۹۰) و عدم تدوین استاندارد حسابداری خاص برای سرمایه‌های فکری، عواملی مهم و تأثیرگذار در جهت حل نشدن مشکلات مربوط به سنجش و گزارشگری سرمایه‌های فکری می‌باشند. از طرفی، تعداد اندکی از پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، سنجش و افشای سرمایه فکری را مدنظر قرار داده‌اند. با توجه به پیشنهاد نظریه‌های اقتصادی، تا زمانی که منافع مورد انتظار افشای داوطلبانه بیش از هزینه‌های مربوطه باشد، شرکت‌ها باید افشای داوطلبانه را در دستورکار قرار دهند. لذا، با توجه به اینکه در حال حاضر نمی‌توان سرمایه فکری را در گزارشگری مالی لحاظ نمود، با این حال، شرکت‌ها می‌توانند افشای اختیاری و داوطلبانه اطلاعات مربوط به سرمایه فکری را مدنظر قرار دهند. با توجه به منافع و مزایای ناشی از افشای اطلاعات مربوط به سرمایه فکری، شرکت‌ها باید این انگیزه را داشته باشند که اطلاعات مزبور را داوطلبانه گزارش کنند (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۳). این افشاء تأثیر بسزایی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی (انتخاب نادرست و خطر اخلاقی) دارد. بدین

منظور، شرکت‌ها باید توجه زیادی به عوامل مؤثر بر ایجاد و گسترش سرمایه فکری داشته باشند تا منافع و مزایای مربوطه را کسب و لمس کنند.

۲-۲. حسابداری پایداری

حسابداری پایداری یکی از تحولات گسترده‌ای است که اخیراً در حوزه حسابداری رخ داده است. جهت طرح مبانی نظری حسابداری پایداری، از نظریه‌ها و تئوری‌های حمایت‌کننده از گزارشگری سرمایه فکری استفاده می‌شود. از حسابداری پایداری اغلب برای تولید ارزش و پایداری بیشتر، تقویت افشای اطلاعات، بهبود تصمیم‌گیری‌های درونی، آگاهی ذینفعان (تأپلین و همکاران، ۲۰۰۶) و گردآوری اطلاعات سازمان‌ها جهت توسعه ویژگی‌های عملی در محیط و زمینه‌های حسابداری فردی و اجتماعی، تسهیل توسعه شرکت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی (بال، ۲۰۰۲) و حاکمیت شرکتی در درون و بیرون از سازمان در زمان حال و آینده، استفاده می‌شود. حسابداری پایداری شامل مؤلفه‌های آگاهی اخلاق حسابداری، فعالیت داوطلبانه حسابداری، شفافیت طرز فکر حسابداری، افشای سرمایه انسانی و گزارشگری مسئولیت اجتماعی می‌باشد. با این حال، در عمل، تهیه سیاست‌هایی که همزمان ابعاد فوق را بهبود بخشند، دشوار بوده و پیامدهای ابعاد فوق، گزارشگری پایداری را به‌عنوان یکی از موضوعات چالش‌برانگیز پژوهش‌های حسابداری مطرح ساخته است. نادیده گرفتن نیاز شرکت‌ها به پایداری، موجب بروز هزینه‌های هنگفت و مخاطرات بالقوه غیرقابل جبران می‌شود. بروز بحران‌های مالی و فروپاشی شرکت‌ها، ناشی از نبود حسابداری پایداری می‌باشد. علی‌رغم وجود رویکردهای متنوع در حسابداری پایداری، این بخش آنچنان که انتظار می‌رفت، توسعه نیافته است و تئوری عمومی پذیرفته شده‌ای برای آن تعریف نشده است.

۳. پیشینه پژوهش

علی‌رغم با اهمیت بودن موضوع ارزشیابی و افشای سرمایه فکری و موضوعات مربوط به حسابداری پایداری، در پژوهش‌های داخلی و خارجی صورت گرفته در این زمینه، ارتباط این متغیرها مورد بررسی قرار نگرفته است. در ادامه، تعدادی از پژوهش‌های مرتبط با متغیرهای پژوهش حاضر، ارائه می‌گردد.

۱-۳. پژوهش‌های داخلی

ایرجی‌راد و اسلام دوست (۱۳۹۳)، سنجش سرمایه فکری و بررسی رابطه آن با کیوتوبین و ریسک سیستماتیک در شرکت‌های واسطه‌گری را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که

سرمایه فکری با معیار ریسک سیستماتیک و کیوتوبین رابطه معنادار دارد. دستگیر و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند و نتیجه گرفتند که رابطه معنی‌داری بین سرمایه فکری و دو شاخص نسبت قیمت به سود و نرخ رشد وجود دارد.

دهقان (۱۳۹۶)، در بررسی رابطه سرمایه فکری با عملکرد سازمانی به این نتیجه رسید که سرمایه فکری و اجزای آن یعنی سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه‌ای، با عملکرد سازمانی رابطه مثبت و معنی‌داری دارند.

طیبی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با استفاده از شاخص پالیک و با روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته، نتیجه گرفتند که رابطه مثبتی بین کارایی سرمایه انسانی و بهره‌وری نیروی کار وجود دارد. نخعی و انصاری (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی رابطه سرمایه فکری با فرهنگ سازمانی در ادارات شهرستان فردوس پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین ابعاد سرمایه فکری با فرهنگ سازمانی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

قادری و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، به ارائه الگویی برای سلامت مالی شرکت‌ها از طریق پیش‌بینی روابط علی میان سازه‌های حسابداری پایداری و سلامت مالی پرداختند. آن‌ها نتیجه گرفتند که سلامت مالی شرکت‌ها تحت تأثیر سازه‌های پایداری حسابداری قرار می‌گیرد و شرکت‌ها برای اینکه دچار درماندگی مالی نشوند و سلامت مالی داشته باشند، باید دارای ویژگی‌های حسابداری پایداری باشند.

۲-۳. پژوهش‌های خارجی

دارابی و سلمانی (۲۰۱۲)، ارتباط افشای سرمایه فکری با کیفیت گزارشگری مالی را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که بین کارایی سرمایه انسانی و کارایی سرمایه فیزیکی با کیفیت گزارشگری مالی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، اما بین کارایی سرمایه ساختاری و کیفیت گزارشگری مالی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

برزکالن و زلگاو (۲۰۱۴)، ارتباط بین سرمایه فکری و ارزش و سودآوری شرکت را بررسی کردند و دریافتند که بخشی از تفاوت بین ارزش بازار و ارزش دفتری، مربوط به نقش سرمایه‌های فکری می‌باشد و همچنین بین ضریب ارزش‌افزوده سرمایه فکری و ارزش شرکت، ارتباط مستقیمی وجود دارد.

مارتینز و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و افشای

اطلاعات پایداری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های محافظه‌کار و شرکت‌هایی که کمتر به مدیریت سود می‌پردازند، افشای اطلاعات بیشتری در زمینه فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت دارند.

بهاراتی کامات (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی و ارزیابی بازار شرکت‌ها در هند پرداخت و نشان داد که عملکرد مالی و ارزش بازار، در واقع تحت تأثیر سرمایه فکری شرکت‌ها قرار دارد.

چن و همکاران (۲۰۱۵)، به بررسی رابطه بین سرمایه فکری، ارزش بازار و عملکرد شرکت‌های بورس اوراق بهادار تایوان پرداختند. نتایج حاکی از وجود تأثیر مثبت سرمایه فکری بر عملکرد مالی و ارزش بازار این شرکت‌ها بود. همچنین می‌توان از سرمایه فکری به عنوان یک شاخص پیش‌بینی‌کننده عملکرد مالی آتی استفاده کرد.

نواس و همکاران (۲۰۱۶)، به بررسی رابطه بین سیستم‌های حسابداری مدیریت، عملکرد شرکت و سرمایه فکری پرداختند و نتیجه گرفتند که سیستم‌های حسابداری مدیریت، رابطه معناداری با ابعاد انسانی و ساختاری سرمایه فکری دارند.

هیانگ و هسو (۲۰۱۷)، به بررسی نتایج سنجش سرمایه فکری با استفاده از شاخص ارزش‌افزوده بر عملکرد مالی، اقتصادی و ارزش بازار پرداختند. آن‌ها نتیجه گرفتند که کارایی سرمایه فکری با عملکرد اقتصادی و مالی، رابطه مثبت و معناداری دارد و سرمایه به‌کار گرفته شده مالی با عملکرد اقتصادی رابطه منفی دارد، اما با عملکرد ارزش بازار و عملکرد مالی رابطه مثبت و معناداری دارد.

ین و همکاران (۲۰۱۹)، با استفاده از شاخص پالیک به بررسی ارتباط سرمایه فکری و سودآوری بانک‌های مالزی پرداختند که نتایج آن، حاکی از ارتباط مثبت بین سرمایه فکری و عملکرد بانک‌ها بوده است.

تینگ و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین تغییرات اجزای سرمایه فکری با تغییرات عملکرد پرداختند. آن‌ها دریافتند که تغییرات در کارایی سرمایه فکری و کارایی سرمایه انسانی به‌طور مثبت و معناداری با تغییرات در عملکرد (مانند تغییرات در کارایی شرکت و رشد فروش) مرتبط است.

بالوگانی (۲۰۲۰)، در پژوهشی به این نتیجه رسید که اصول پایداری سازمانی باید دربرگیرنده تأثیرات اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی عملکرد یک شرکت باشد که این امر نهایتاً موجب سلامت شرکت شده و از رشد و بقای آن حمایت می‌کند.

مارتینز و همکاران (۲۰۲۰)، با ارائه مدل نظری، نحوه همپوشانی سرمایه فکری و پارادایم نوآوری باز را تجزیه و تحلیل کردند و دریافتند که ابعاد سرمایه فکری بر عملکرد پارادایم نوآوری باز، تأثیر مثبت می‌گذارد.

۴. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، در راستای دستیابی به هدف پژوهش، فرضیه‌های اصلی و فرعی تحقیق به شرح ذیل تدوین شده است:

فرضیه اصلی اول: بین سنجش و افشای ابعاد سرمایه فکری با سازه‌های حسابداری پایداری، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین ضریب کارایی سرمایه انسانی و سازه‌های گزارشگری پایداری، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین ضریب کارایی سرمایه ساختاری و سازه‌های گزارشگری پایداری، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم: بین ضریب کارایی سرمایه فیزیکی و مالی و سازه‌های گزارشگری پایداری مالی، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم: مدیریت دانش سازمانی، رابطه بین ابعاد سرمایه فکری و سازه‌های گزارشگری پایداری مالی را تعدیل می‌کند.

فرضیه فرعی چهارم: مدیریت دانش سازمانی، رابطه بین ضریب کارایی سرمایه انسانی و سازه‌های گزارشگری پایداری را تعدیل می‌کند.

فرضیه فرعی پنجم: مدیریت دانش سازمانی، رابطه بین ضریب کارایی سرمایه ساختاری و سازه‌های گزارشگری پایداری را تعدیل می‌کند.

فرضیه فرعی ششم: مدیریت دانش سازمانی، رابطه بین ضریب کارایی سرمایه فیزیکی و مالی و سازه‌های گزارشگری پایداری را تعدیل می‌کند.

۵. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های آمیخته بین رشته‌ای می‌باشد که از نظر نتایج، از نوع کاربردی و از نظر شیوه انجام کار، از نوع توصیفی-پیمایشی (از نوع همبستگی) است؛ زیرا به دنبال توصیف رابطه بین متغیرها با جمع‌آوری داده‌های مربوط می‌باشد. همچنین از نظر بُعد زمانی، جزء پژوهش‌های گذشته‌نگر است.

این پژوهش از لحاظ جمع‌آوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، جزء روش قیاسی و کتابخانه‌ای و از نظر دستیابی به داده‌های مورد نیاز و بررسی متغیرهای موجود، جزء روش میدانی است.

با توجه به اهداف پژوهش و ماهیت بعضی از متغیرها، برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، از داده‌های صورت‌های مالی حسابرسی شده، یادداشت‌های توضیحی و گزارش هیأت مدیره شرکت‌ها و برای برخی دیگر از متغیرها، از پرسشنامه استاندارد مدیریت دانش و پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. در این پژوهش، از مدل‌های ساختاری (تحلیل مسیر) استفاده شده است. بدین ترتیب برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا براساس شاخص‌های برازش به بررسی مناسب بودن مدل پرداخته می‌شود و سپس روابط علی بین ابعاد سرمایه فکری و سازه‌های حسابداری پایداری و مدیریت سازمانی، از طریق ضریب مسیر و عدد معنی‌داری بحث شده و براساس آن، نسبت به تأیید یا رد فرضیه‌ها تصمیم‌گیری خواهد شد. جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های فعال پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۸ می‌باشند. برای انتخاب نمونه آماری، از روش غربال‌گری هدفمند استفاده گردید و بدین منظور، معیارهای زیر در نظر گرفته شد و شرکتی که کلیه معیارها را احراز نمود، به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید.

- شرکت قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۸ فعال باشد.

- شرکت طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸، تغییر سال مالی نداده باشد.

- شرکت وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشد.

- اطلاعات مورد نیاز شرکت در دسترس باشد.

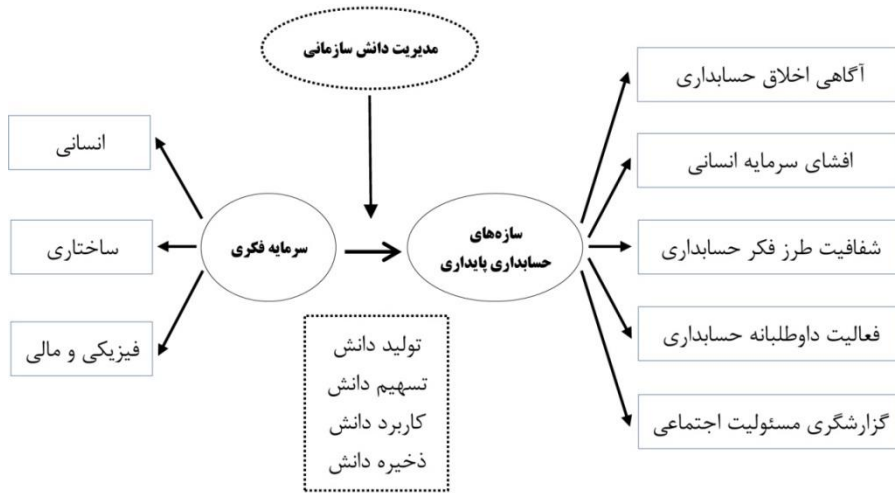
- شرکت سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد.

- سال مالی شرکت مورد بررسی، منتهی به پایان اسفندماه باشد.

بعد از منظور کردن کلیه محدودیت‌های بالا و انجام غربالگری، تعداد ۷۹ شرکت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

۶. مدل مفهومی پژوهش

مطابق مبانی نظری، روابط بین ساختارها و متغیرهای پژوهش، قابل بررسی است و مدل مفهومی زیر برای بررسی روابط بین سرمایه فکری و ابعاد و سازه‌های حسابداری پایداری شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود:



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهشگر)

۷. متغیرهای پژوهش و شیوه سنجش آن‌ها

۷-۱. متغیر مستقل: ابعاد سرمایه فکری

در این پژوهش با توجه به هدف، فرضیه‌ها و مدل مفهومی پژوهش ارائه شده در بخش‌های قبل، ابعاد سرمایه فکری به‌عنوان متغیر مستقل تعریف شده است. با توجه به کارایی و مزایای مدل ارزش افزوده پالیک نسبت به سایر روش‌های سنجش سرمایه فکری و سازگاری و انطباق با تئوری ذینفعان، در این پژوهش از این مدل جهت سنجش ابعاد سرمایه فکری استفاده شده است. تئوری ذینفعان معتقد است که باید سهم ذینفعان مختلف که در دستیابی واحد تجاری به اهداف موردنظر نقش دارند، در عملکرد سازمان لحاظ شود (ریاحی بلکویی، ۲۰۰۳). این مدل، جزء مدل‌های بازده دارایی‌ها است و کلیه داده‌های استفاده شده در محاسبه ضرایب ارزش افزوده سرمایه فکری، مبتنی بر اطلاعات استاندارد حسابداری مالی می‌باشد (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۳). در این مدل، ارزش افزوده ناشی از منابع سال جاری، براساس رابطه (۱) محاسبه می‌شود:

$$VAIC = OP + EC + D + A \quad (1)$$

در رابطه (۱):

VAIC: ارزش افزوده پالیک؛

OP: سود عملیاتی در سال جاری؛

EC: هزینه نیروی کار در سال جاری؛

D: هزینه استهلاک دارایی‌های ثابت در سال جاری؛

A: هزینه استهلاک دارایی‌های نامشهود در سال جاری.

پالیک بیان می‌کند که ارزش بازار سازمان‌ها به وسیله سرمایه به کار گرفته شده فیزیکی و مالی ایجاد می‌شود و سرمایه فکری شامل سرمایه ساختاری و انسانی است. همچنین این مدل، کارایی سه دسته از ورودی‌ها را اندازه‌گیری می‌کند:

۱) ارزش افزوده سرمایه به کار گرفته شده فیزیکی و مالی (VACA): ضریب کارایی سرمایه فیزیکی، مقدار ارزش افزوده ریالی ایجاد شده به ازای یک ریال دارایی فیزیکی مشهود را نشان می‌دهد و از تقسیم ارزش افزوده (VA) بر سرمایه فیزیکی (CA) بدست می‌آید. سرمایه فیزیکی شامل خالص ارزش دفتری مجموع دارایی‌های مشهود شرکت می‌باشد.

۲) ارزش افزوده سرمایه انسانی (VAHU): ضریب کارایی سرمایه انسانی، مقدار ارزش افزوده ریالی ایجاد شده به ازای یک ریال خرج شده برای کارکنان را نشان می‌دهد و از تقسیم ارزش افزوده (VA) بر سرمایه انسانی (HU) بدست می‌آید. سرمایه انسانی شامل کار مستقیم، کار غیرمستقیم و حقوق بخش‌های اداری، بازاریابی و فروش می‌باشد.

۳) ارزش افزوده سرمایه ساختاری (STVA): ضریب کارایی سرمایه ساختاری، بیانگر سهم سرمایه ساختاری در ایجاد ارزش افزوده است. سرمایه ساختاری در مدل ارزش افزوده پالیک، از اختلاف ارزش افزوده و سرمایه انسانی بدست می‌آید. ضریب کارایی سرمایه ساختاری از رابطه (۲) محاسبه می‌شود:

$$STVA = 1 - (HV / VA) \quad (2)$$

هرچه سهم سرمایه انسانی در ایجاد ارزش کم‌تر باشد، به همان میزان، سهم سرمایه ساختاری بیشتر می‌شود. از مجموع ضرایب سه‌گانه فوق، ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری محاسبه می‌شود که ابزار سنجش سرمایه فکری تلقی می‌گردد. بنابراین، سرمایه فکری (VAIC) از رابطه (۳) محاسبه می‌شود:

$$VAIC = VACA + VAHU + STVA \quad (3)$$

به منظور اندازه‌گیری افشای سرمایه فکری، با اندکی تعدیل به پیروی از پژوهش‌های آیبیکونل و همکاران (۲۰۱۳) و لی و همکاران (۲۰۰۷)، افشای ۳۵ مورد مطابق با چک‌لیست تهیه شده و با مراجعه به گزارش‌های هیأت مدیره شرکت‌ها در سال‌های مورد رسیدگی، مورد بررسی قرار می‌گیرد که در صورت احراز افشای موارد مذکور، عدد یک و در صورت عدم احراز افشای موارد یادشده، امتیاز صفر برای شرکت در نظر گرفته می‌شود. در نهایت، تعداد موارد افشاء شده بر کل افشاهای مورد

انتظار تقسیم می‌گردد تا امتیاز افشای سرمایه فکری محاسبه شود.

۲-۷. متغیر وابسته: سازه‌های حسابداری پایداری

یکی از موضوعات پیچیده و در حال تکامل در حسابداری، موضوع پایداری مالی شرکت‌ها است که دربرگیرنده نگرش‌ها و متغیرهای متنوعی می‌باشد. پایداری مالی شرکتی به‌طور انحصاری در آغاز با دیدگاه مالی شرکت‌ها ارتباط داشت، اما هدف اصلی آن به حداکثر رساندن ارزش سهامداران بود که شرکت‌ها از طریق آن، از پایدار بودن در بلندمدت سود می‌برند و بنابراین، پایداری مالی در شرکت‌ها بسیار مهم است. سازه‌های (عناصر) حسابداری پایداری شامل آگاهی اخلاقی حسابداری، فعالیت‌های داوطلبانه حسابداری، شفافیت طرز فکر حسابداری، افشای سرمایه انسانی و گزارشگری مسئولیت اجتماعی می‌باشد. در این پژوهش، سنجش میزان افشای گزارشگری پایداری، با استفاده از روش تحلیل محتوا و در نظر گرفتن متغیر مجازی صفر و یک صورت گرفته است. بدین صورت که اگر افشای یک قلم از اقلام پایداری مطابق هیأت استانداردهای حسابداری پایداری (SASB) و متغیرهای مورد استفاده به‌وسیله سازمان گزارشگری جهانی (GRI) که ارائه‌دهنده استانداردها و دستورالعمل‌ها در بحث پایداری است، انجام شده باشد، امتیاز یک و اگر افشا نشده باشد، امتیاز صفر در نظر گرفته خواهد شد. اطلاعات لازم برای متغیرها و اقلام پایداری، در گزارش هیأت مدیره شرکت‌ها افشاء می‌شود.

۲-۷-۱. آگاهی اخلاقی حسابداری

دلیل اهمیت آگاهی اخلاقی حسابداری، این است که سرمایه‌گذاران و ذینفعان از روی اطلاعاتی که حسابداران گزارش می‌نمایند، تصمیم‌گیری می‌کنند (فوستر و جانکر، ۲۰۰۵). یکی از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت اطلاعات گزارش شده، آگاهی اخلاقی می‌باشد که بیانگر یک بخش ضروری از طرز عمل حرفه حسابداری است. لذا، هر حسابدار باید دارای توانایی‌های اخلاقی باشد. به همین جهت، سازمان‌های حرفه‌ای حسابداری، آگاهی اخلاقی حسابداری را به اعضای خود به‌منظور بهبود اخلاق حرفه‌ای آموزش می‌دهند و یا تشخیص می‌دهند که آموزش دهند (سرنیکا، ۲۰۰۷). یکی از رفتارهای اخلاقی، مسئولیت اجتماعی است. ماهیت مسئولیت پاسخ‌گویی در حسابداری، مستلزم رعایت اصول اخلاقی در سطح بالایی می‌باشد، اگرچه ممکن است رعایت این اصول در کوتاه‌مدت به نفع شرکت نباشد، اما برای استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی مفید است.

۲-۷-۲. فعالیت داوطلبانه حسابداری

فعالیت داوطلبانه حسابداری یا افشای اطلاعات حسابداری، به تصمیم شرکت برای فراهم

نمودن اطلاعات یا تطبیق استانداردهای حسابداری اشاره دارد. فعالیت داوطلبانه حسابداری عمدتاً دربرگیرنده رعایت سیاست‌ها، روش‌ها و قوانین مرتبط به‌منظور نگهداری شرکت در بالاترین سطح پذیرش اجتماعی و شهرت حرفه‌ای می‌باشد. امروزه، شرکت‌های مختلف دست به روش‌های گوناگونی برای ابراز فعالیت داوطلبانه خود در بهبود مدیریت محیط زیست حتی فراتر از الزامات قانونی می‌زنند که این موضوع گاهی منجر به بهبود عملکرد مالی و تولید پویای شرکت‌ها می‌گردد (آراگون و همکاران، ۲۰۰۷). فعالیت‌های داوطلبانه حسابداری، ابزار مؤثری برای بهبود عملکرد شرکت و منافع سهامداران است.

۳-۲-۷. شفافیت طرز فکر حسابداری

شفافیت طرز فکر حسابداری، اطلاعات قابل اعتمادی است که منجر به فعال کردن سیستم بازار کارآمد و بهبود تصمیم‌گیری برای استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی می‌شود و شامل دیدگاه‌های مربوط به افشای کامل و شفاف موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، میزان ریسک، فرآیندها و فعالیت‌های حسابداری شرکت‌ها است که در نهایت باعث شفاف شدن فعالیت‌های حسابداری می‌شود. به همین دلیل، شرکت‌ها برای جلوگیری از راکد ماندن و برآورده کردن انتظارات جامعه، به شفافیت نیازمند می‌باشند (بوشمن و همکاران، ۲۰۰۴).

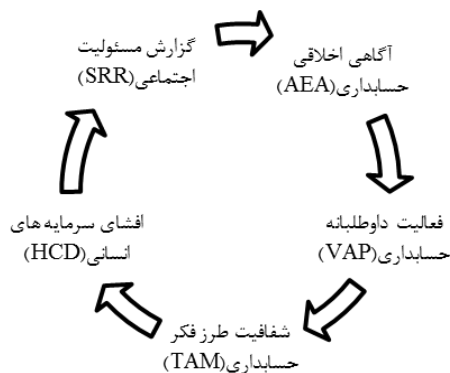
۴-۲-۷. افشای سرمایه‌های انسانی

سرمایه انسانی سازمان‌ها شامل مهارت، تخصص، آموزش، یادگیری شایستگی‌های حرفه‌ای، توانایی حل مسئله و سبک‌های رهبری است. شکل و محتوای گزارشگری و افشای سرمایه‌های انسانی متنوع است و افشاء عمدتاً به صورت داوطلبانه و با در نظر گرفتن ویژگی کافی بودن و کامل بودن، صورت می‌گیرد. اطلاعات سرمایه انسانی در تصمیم‌گیری بالقوه شرکت در آینده، یک جزء مهم بوده و منجر به افزایش ارزش بازار برای شرکت‌ها می‌شود. سرمایه انسانی به عنوان مبنای سرمایه فکری منتج به بهبود عملکرد و ایجاد ارزش افزوده برای شرکت‌ها می‌شود. بر این اساس، افشا و گزارشگری آن حائز اهمیت می‌باشد.

۵-۲-۷. گزارش مسئولیت اجتماعی

شرکت‌ها بایستی در برابر طیف وسیعی از ذینفعان پاسخگو باشند (بهارمقدم، صادقی و صفرزاده، ۱۳۹۲). در سال‌های اخیر، با رقابتی شدن بازارهای جهانی، گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نیز دچار تحولات اساسی شده است. در گزارش مسئولیت اجتماعی، تمامی روابط و عوامل مثبت و منفی تأثیرگذار بر فعالیت کسب‌وکار شرکت‌ها ارائه می‌شود. بهبود این نوع گزارشگری منجر

به تقویت عملکرد، بهبود محیط کار، افزایش ارزش بازار و رفاه اجتماعی شده و از این طریق، شرکت در جامعه بهتر شناخته و تبلیغ می‌شود (برانکو و رودریگز، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی با عملکرد شرکت مرتبط است. همچنین مسئولیت اجتماعی، تعهد سازمانی کارکنان را به‌عنوان یک متغیر از انگیزه کارکنان در شرکت، حمایت می‌کند. بنابراین، کارکنان بیشترین تأثیر را از فعالیت‌های گزارش مسئولیت اجتماعی می‌پذیرند و با افزایش تعداد کارکنانی که به سازمان متعهد شده‌اند، آن‌ها به‌طور مستقیم بر روی عملکرد سازمان اثر خواهند گذاشت.



شکل ۴- سازه‌های پایداری مالی

۳-۷. متغیر تعدیل‌گر: مدیریت دانش سازمانی

امروزه، دانش به یک عامل کلیدی مزیت رقابتی برای سازمان‌ها و کشورها تبدیل شده و مزیت اصلی شرکت‌ها در سرمایه دانشی نهفته است و در فرآیندهای درون، برون و بین سازمانی، از ارزش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد (امانی و همکاران، ۱۳۹۹). لذا، اندازه‌گیری و درک کامل آن به‌عنوان مبنای رفتار مولد انسانی و سازمانی، از اهمیت زیادی برخوردار است. تعریف مدیریت دانش، کار آسانی نیست و تعریف مورد توافق همگانی از مدیریت دانش وجود ندارد. مدیریت دانش باید از سرمایه فکری به‌عنوان منبعی برای تولید ارزش و اولویت عملکرد سازمان‌ها استفاده کند (کابریلو و دهمس، ۲۰۱۸). در عصر دانایی محوری، مدیریت دانش به مهم‌ترین وظیفه سازمان‌هایی تبدیل شده که به‌دنبال استفاده بهینه از این سرمایه ارزشمند و ناملموس‌اند. اجرای موفقیت‌آمیز فرآیند مدیریت دانش در سازمان، به ایجاد زمینه‌ها و شرایط مناسب و تقویت‌کننده‌ای نیاز دارد. آنچه سازمان‌ها را در صحنه تجارت و اقتصاد، رقابت‌پذیر می‌کند، کنترل اثربخش دانش و تأکید مستمر بر عوامل مؤثر بر دارایی‌های دانشی مانند سرمایه فکری است. همچنین مفهوم سرمایه فکری، برای

شناخت و مدیریت منابع دانش محور و به منظور ایجاد ارزش معرفی شده است (کیانتو و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین نظام‌های ارزیابی عملکرد مبتنی بر دانش، عملکرد کارکنان را براساس سهمی که در فرآیندهای دانشی سازمان از جمله ایجاد، به‌کارگیری و تسهیم دانش دارند، ارزیابی می‌کنند (بودن و ساندلاند، ۲۰۱۹). مدیریت دانش، فرآیند ایجاد ارزش از دارایی‌های نامشهود و غیرفیزیکی سازمان است. اهمیت این موضوع به حدی است که امروزه شماری از سازمان‌ها، دانش خود را اندازه‌گیری می‌کنند و به منزله سرمایه فکری سازمان و نیز شاخصی برای درجه‌بندی شرکت‌ها، در گزارش‌های خود منعکس می‌نمایند و مدیریت این سرمایه، اخیراً توجه پژوهشگران زیادی را به خود جلب کرده است. هوبرت سنت آنگو، مدیریت دانش را ایجاد ارزش از دارایی‌های پنهان شرکت می‌داند.

منطق نیاز به مدیریت دانش، بر پایه تغییرات عمده در محیط تجاری است. سازوکارهای ارزیابی مدیریت دانش با معیارهایی از قبیل میزان نوآوری و رشد، افزایش کیفیت خدمات و کالاها، رضایت مشتریان و پاسخ‌گویی سازمان، می‌تواند میزان توفیق مدیریت دانش را به آزمون گذارد و توانایی سازمان را در بهره‌مندی از نتایج مدیریت دانش نشان می‌دهد. مدل‌های مختلفی مانند مدل دمرست، اسکاندیا، نوناکو، تاکوچی و مدل عمومی دانش نیومن برای سنجش مدیریت دانش ارائه شده است. در این پژوهش، برای سنجش مدیریت دانش از مدل عمومی نیومن استفاده شده است. نیومن در این مدل عمومی دانش، جریان دانش را در چهار فعالیت عمده سازمان، شامل خلق و انتصاب دانش، سازماندهی و ذخیره دانش، تسهیم و انتقال دانش و به‌کارگیری دانش نشان می‌دهد. سازمانی که این فعالیت‌ها را به خوبی مدیریت کند، سازمانی دانش محور می‌باشد. از نظر اکثر پژوهشگران، کاربرد دانش به‌عنوان آخرین فرآیند مدیریت دانش، مهم‌ترین فرآیند می‌باشد. نیومن با طراحی پرسشنامه‌ای، برای مدیریت دانش چهار بُعد شامل خلق دانش، تسهیم دانش، کاربرد دانش و ذخیره دانش را طراحی کرده است (اکبرپور شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶). در این پژوهش، برای اطمینان از اعتبار محتوای پرسشنامه، از نظر استادان و خبرگان در این زمینه بهره گرفته شده و از این جهت از اعتبار لازم برخوردار است. به‌منظور تعیین پایایی پرسشنامه، آلفای کرونباخ محاسبه شد. آلفای کرونباخ برای مدیریت دانش، ۸۱ درصد بدست آمده است. بنابراین، یافته‌ها حاکی از قابلیت اعتماد لازم در ابزار پژوهش می‌باشد. هرگاه این ضریب بزرگ‌تر از ۷۰ درصد باشد، نشان‌دهنده پایایی مناسب ابزار پژوهش است. با توجه به جدول (۱)، پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است. براساس یافته‌های بدست آمده، میانگین مدیریت دانش در جامعه آماری پژوهش ۶۴/۵ می‌باشد.

جدول ۲۳- میزان پایایی پرسشنامه مدیریت دانش سازمانی

سازه مورد بررسی	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
تولید دانش	۱۴	۰/۸۹۱
تسهیم دانش	۹	۰/۷۸۲
کاربرد دانش	۱۱	۰/۸۶۶
ذخیره دانش	۱۰	۰/۸۴۵

۸. یافته‌های پژوهش

۸-۱. آماره‌های توصیفی متغیرها

برای بدست آوردن یک دید کلی نسبت به داده‌های هر پژوهشی، باید آماره‌های توصیفی مربوطه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. جدول (۲) بیانگر شاخص‌هایی برای توصیف متغیرها می‌باشد.

جدول ۲۴- آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره			
	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین
کارایی سرمایه انسانی	۵/۱۷	۵/۲۲	۷/۰۲	۲/۱۱
کارایی سرمایه ساختاری	۴/۷۶	۴/۳۹	۶/۸۴	-۱/۶۲
کارایی سرمایه فیزیکی و مالی	۴/۳۲	۴/۳۸	۶/۸۶	-۱/۳۹
آگاهی از اخلاق حسابداری	۷/۳۵	۷/۱۴	۹/۶۹	۱/۰۵
فعالیت‌های داوطلبانه حسابداری	۷/۴۶	۷/۲۱	۸/۳۲	۴/۴۸
شفافیت طرز فکر حسابداری	۶/۹۸	۷/۰۲	۹/۱۱	۱/۴۳
افشای سرمایه انسانی	۷/۸۳	۷/۹۲	۱۲/۵۶	۲/۶۲
گزارشگری مسئولیت اجتماعی	۷/۱۱	۷/۵۳	۱۴/۱۷	۳/۰۵
مدیریت دانایی سازمانی	۶۴/۵	۶۲/۸	۱۰۸	۱۶

۸-۲. آزمون فرضیه‌های پژوهش

از آنجا که مدل مفهومی پژوهش حاضر، درصدد بررسی روابط علی بین متغیرهای مدیریت دانایی، سرمایه فکری و سازه‌های حسابداری پایداری است که به‌طور مستقیم قابل اندازه‌گیری نیستند، بنابراین، به‌منظور فراهم شدن امکان تحلیل همزمان روابط متغیرها و جهت بررسی صحت و سقم فرضیه‌های پژوهش، ترجیحاً از روابط علی مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری (تحلیل ساختاری کواریانس یا مدل‌یابی علی) و نرم‌افزار pls-smart استفاده شده است. مدل‌سازی معادلات ساختاری برای آزمودن روابط پیچیده میان سازه‌ها (متغیرهای پنهان مستقل و وابسته) و شاخص‌ها (متغیرهای مشاهده شده) که در تحلیل وجود دارند، استفاده می‌شود. مدل‌سازی

معادلات ساختاری، یک تکنیک تحلیل چندمتغیری کلی و بسیار نیرومند از خانواده رگرسیون چندمتغیری و به بیان دقیق‌تر، بسط مدل خطی کلی است که به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به گونه‌ای همزمان مورد آزمون قرار دهد و به بررسی همزمان روابط بین متغیرهای مختلف بپردازد. متغیر پنهان، متغیری است که به‌طور مستقیم اندازه‌گیری نمی‌شود، بلکه با استفاده از دو یا تعداد بیشتری از متغیرهای مشاهده شده در نقش معرف، سنجش می‌شود. مدل‌سازی معادلات ساختاری از دو بخش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری تشکیل شده است. بخش اول شامل مدل اندازه‌گیری است که رابطه بین متغیرهای آشکار (اندازه‌گیری شده) و متغیرهای پنهان (برآورد شده یا عامل‌ها) را تعریف می‌کند که متغیرهای پنهان نیز در سطوح مختلف به‌کار برده می‌شوند. بخش دوم شامل مدل ساختاری است که مشخص می‌کند متغیرهای پنهان چگونه به هم مرتبط شده‌اند. با توجه به شاخص‌های برازندگی می‌توان گفت که آیا مدل ساختاری طراحی شده جهت برازش و بررسی روابط بین متغیرها، معتبر و قابل قبول است یا خیر.

پرسشنامه این بخش محقق‌ساخته بوده و برای تنظیم سؤالات آن، از چندین پرسشنامه مانند پرسشنامه پژوهش پوتانگ و همکاران (۲۰۱۱) و بالوگانی (۲۰۲۰) نیز استفاده شده است. جهت بومی‌سازی در انطباق با شرایط محیط تجاری و مالی شرکت‌های ایرانی و همچنین تعیین روایی پرسشنامه، از نظر اساتید دانشگاهی و کارشناسان اهل فن استفاده شده است. سؤالات پرسشنامه حاوی دو بخش عمومی جمعیت‌شناختی و اختصاصی (۴۵ سؤال) می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری ساده تصادفی، ۹۱ نفر انتخاب و پرسشنامه میان آن‌ها توزیع گردید که از این تعداد، ۸۲ نفر به سؤالات پرسشنامه پاسخ دادند که ملاک بررسی قرار گرفت. گویه‌ها روی مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) رتبه‌بندی شدند. اطلاعات عمومی پاسخ‌دهندگان در جدول (۳) ارائه شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل سؤال‌های عمومی پرسشنامه، بیانگر این است که پاسخ‌دهندگان دارای شرایط مطلوب برای پاسخ‌گویی به سؤالات بوده‌اند.

جدول ۲۵- اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

جنسیت	تحصیلات					سابقه کار (سال)	
	مرد	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	کم‌تر از ۱۰	۱۰-۲۰	۲۰-۳۰
تعداد	۷۶	۱۱	۶۷	۴	۱۸	۵۲	۱۲
درصد	۹۳	۱۳	۸۲	۵	۲۲	۶۳	۱۵
رشته تحصیلی	رشته شغلی						
	مالی	غیرمالی		عالی	میانی	کارشناس	
تعداد	۷۸	۴		۵۳	۱۹	۱۰	
درصد	۹۵	۵		۶۵	۲۳	۱۲	

۳-۸. برازش الگوی معادلات ساختاری

در الگویایی معادلات ساختاری، در مرحله اول، برازش الگوهای اندازه‌گیری (اعتبار بیرونی جهت رابطه گویه‌ها با سازه‌ها) از طریق تحلیل روایی و پایایی ارزیابی می‌گردد و در مرحله دوم، برازش الگوهای ساختاری (اعتبار درونی جهت رابطه میان سازه‌ها) از طریق تحلیل شاخص‌های کیفیت برازندگی، ضریب تعیین و ضریب تحلیل مسیر ارزیابی می‌شود و برازش الگوی کلی براساس معیار نیکویی برازش (GOF) صورت می‌گیرد. فرضیه‌های پژوهش با بررسی ضرایب معناداری، مورد آزمون قرار می‌گیرند.

۳-۸-۱. برازش الگوی اندازه‌گیری (اعتبار بیرونی جهت رابطه گویه‌ها با سازه‌ها)

در برازش الگوهای اندازه‌گیری از معیارهای پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود. پایایی نیز از طریق سنجش بارهای عاملی و پایایی ترکیبی بررسی می‌گردد. از آنجا که تمامی گویه‌ها دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۴ می‌باشند، سؤالی حذف نمی‌گردد. پایایی ترکیبی، پایایی ابعاد را با توجه به همبستگی ابعاد با یکدیگر محاسبه می‌کند. مقدار مناسب ضریب پایایی ترکیبی برای سازه‌ها، بالاتر از ۰/۷ می‌باشد. روایی همگرا به بررسی میزان همبستگی هر سازه با متغیرهای خود می‌پردازد و هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. روایی واگرا نیز میزان رابطه یک بُعد با مؤلفه‌هایش، در مقایسه با رابطه آن بُعد با سایر ابعاد را نشان می‌دهد. برای سنجش اعتبار همگرا، از ضریب AVE استفاده شده است. مقدار قابل قبول برای روایی هم‌گرا باید بیشتر از ۵۰٪ باشد (AVE > CR) و (AVE > ۰/۵). جهت محاسبه روایی واگرا، از معیار HTMT معرفی شده توسط هنسلر و همکاران (۲۰۱۵) استفاده شده است. این معیار، جایگزین روش فورنل- لارکر شده است. حد مجاز معیار، میزان ۰/۸۵ تا ۰/۹ می‌باشد. اگر مقادیر این معیار کمتر از ۰/۹ باشد، روایی واگرا قابل قبول است و می‌توان اظهار داشت که سازه‌ها (متغیرهای مکنون) در مدل، تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر. براساس جدول (۴) و بررسی ضرایب بدست آمده، مقادیر مربوط به ضرایب پایایی ترکیبی (CR)، روایی همگرا (AVE) و روایی واگرا (HTMT) برای تمامی سازه‌ها، در بازه قابل قبول بوده که این امر نشان از مناسب بودن برازش بیرونی متغیرهای مدل دارد.

جدول ۲۶- برازش بیرونی متغیرهای مدل مفهومی پژوهش

متغیرها	ابعاد و سازه‌ها	ضریب پایایی ترکیبی (Alpha > ۰/۷)	میانگین واریانس استخراجی (AVE > ۰/۵)	HTMT	تعداد گویه
سرمایه فکری	سرمایه انسانی	۰/۷۹۸	۰/۶۱۲	۰/۸۸۴	۵
	سرمایه ساختاری	۰/۸۹۹	۰/۵۴۲	۰/۸۷۴	۵
	سرمایه فیزیکی و مالی	۰/۸۳۴	۰/۶۲۳	۰/۸۶۹	۵

متغیرها	ابعاد و سازه‌ها	ضریب پایایی ترکیبی (Alpha > ۰/۷)	میانگین واریانس استخراجی (AVE > ۰/۵)	HTMT	تعداد گویه
حسابداری پایداری	آگاهی از اخلاق حسابداری	۰/۸۷۸	۰/۶۲۴	۰/۸۷۴	۵
	فعالیت‌های داوطلبانه حسابداری	۰/۸۸۳	۰/۶۶۴	۰/۸۶۱	۵
	شفافیت طرز فکر حسابداری	۰/۸۴۵	۰/۶۷۱	۰/۸۵۸	۵
	افشای سرمایه انسانی	۰/۸۲۸	۰/۶۴۱	۰/۸۶۴	۵
	گزارشگری مسئولیت اجتماعی	۰/۸۶۷	۰/۶۶۵	۰/۸۵۶	۵
مدیریت دانش	_____	۰/۷۸۴	۰/۵۱۲	۰/۸۵۸	۵

۸-۳-۲. برازش الگوی ساختاری (اعتبار درونی جهت رابطه میان سازه‌ها)

بخش الگوی ساختاری برخلاف الگوهای اندازه‌گیری، به متغیرهای آشکار ارتباطی ندارد و تنها متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌گردد. برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش، از معیارهای ضرایب معناداری، ضریب تعیین (R^2) و ارتباط پیش‌بین (Q^2) استفاده شده است. معناداری ضرایب مسیر، فقط صحت رابطه‌ها را نشان می‌دهد نه شدت رابطه بین سازه‌ها. جدول (۵) نشان‌دهنده برازش مدل ساختاری است. همان‌گونه که از جدول (۵) مشخص است، ضرایب مربوط به مسیر متغیرهای سرمایه فکری از ۱/۹۶ بیشتر است که معنادار بودن مسیرها و صحت رابطه‌ها و مناسب بودن مدل ساختاری در سطح اطمینان ۹۵ درصد را نشان می‌دهد. یکی دیگر از سنج‌های بررسی تأثیر متغیرهای مستقل (برون‌زا) بر متغیرهای وابسته (درون‌زا)، معیار ضریب تعیین (R^2) می‌باشد که بیانگر میزان تغییرات هریک از متغیرهای وابسته مدل است و به‌وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. این معیار، قابلیت کاهش خطاها در مدل اندازه‌گیری و افزایش واریانس بین سازه و شاخص‌ها را دارد که صرفاً در PLS کنترل می‌شود. مقدار R^2 تنها برای متغیرهای درون‌زای مدل ارائه می‌شود و در مورد سازه‌های برون‌زا مقدار آن برابر صفر است. هرچه مقدار R^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. این معیار، رابط بین بخش اندازه‌گیری و بخش مدل ساختاری تلقی شده و با سه مقدار ملاک ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌ترتیب نشان‌دهنده وجود رابطه ضعیف، متوسط و قوی بین متغیرها می‌باشد. مطابق جدول (۵)، مقدار ضریب تعیین برای سازه‌های حسابداری پایداری ۰/۶۲۲ محاسبه شده است که با توجه به مقدار ملاک، مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌کند. معیار قدرت پیش‌بینی مدل، قدرت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را مشخص می‌سازد. هدف این شاخص، بررسی توانایی مدل ساختاری در پیش‌بینی کردن به روش چشم‌پوشی می‌باشد که براساس این ملاک، مدل باید نشانگرهای متغیرهای مکنون درون‌زای انعکاسی را پیش‌بینی کند. معیار Q^2 با سه

مقدار $0/02$ ، $0/15$ و $0/35$ قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی را در مورد سازه‌های درون‌زا نشان می‌دهد. با توجه به مقدار Q^2 محاسبه شده ($0/291$)، متغیر درون‌زای مدل پژوهش، مناسب بودن برازش مدل ساختاری و قدرت پیش‌بینی مدل را تأیید می‌کند.

پس از بررسی و تأیید برازش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری به صورت جداگانه، با استفاده از معیار نیکویی برازش (GOF)، برازش مدل کلی مورد آزمون قرار گرفت. شاخص GOF، عددی بین صفر تا یک است که هر چه مقدار آن به یک نزدیک‌تر باشد، نشان از اعتبار و کیفیت بالاتر مدل است. لذا، مقدار بدست آمده ($0/557$) برای GOF، نشان از برازش کلی قوی مدل در پژوهش حاضر دارد. معمولاً مقادیر بالاتر از 35 درصد، نشان از اعتبار قابل‌قبولی در مدل PLS است.

جدول ۲۷- ضرایب معناداری و نتایج آزمون فرضیه‌ها (تحلیل مسیر)

نتیجه		T-Value (عدد معناداری)	ضرایب بار عاملی	ضرایب مسیر	مسیر
عدم رد فرضیه	اثر بخش	۳/۳۲۵	۰/۶۱۴	۰/۲۱۲	سرمایه انسانی و آگاهی از اخلاق حسابداری
	اثر بخش	۲/۶۱۷	۰/۷۴۶	۰/۲۲۸	سرمایه انسانی و فعالیت‌های داوطلبانه حسابداری
	اثر بخش	۳/۱۴۶	۰/۷۰۱	۰/۱۴۱	سرمایه انسانی و شفافیت طرز فکر حسابداری
	اثر بخش	۵/۲۶۱	۰/۸۱۱	۰/۳۵۱	سرمایه انسانی و افشای سرمایه انسانی
	اثر بخش	۴/۲۱۳	۰/۷۴۱	۰/۲۰۸	سرمایه انسانی و گزارشگری مسئولیت اجتماعی
عدم رد فرضیه	اثر بخش	۲/۱۶۵	۰/۵۹۳	۰/۱۱۷	سرمایه ساختاری و آگاهی از اخلاق حسابداری
	اثر بخش	۲/۴۵۱	۰/۴۳۲	۰/۱۰۳	سرمایه ساختاری و فعالیت‌های داوطلبانه حسابداری
	اثر بخش	۲/۱۱۹	۰/۴۴۱	۰/۱۱۴	سرمایه ساختاری و شفافیت طرز فکر حسابداری
	اثر بخش	۲/۲۵۱	۰/۵۱۶	۰/۱۲۲	سرمایه ساختاری و افشای سرمایه انسانی
	اثر بخش	۲/۳۳۶	۰/۴۸۹	۰/۱۳۴	سرمایه ساختاری و گزارشگری مسئولیت اجتماعی
عدم رد فرضیه	اثر بخش	۲/۱۰۸	۰/۴۶۱	۰/۱۲۵	سرمایه فیزیکی و مالی و آگاهی از اخلاق حسابداری
	اثر بخش	۳/۳۴۵	۰/۶۲۱	۰/۱۰۱	سرمایه فیزیکی و مالی و فعالیت‌های داوطلبانه حسابداری
	اثر بخش	۲/۲۱۹	۰/۴۴۷	۰/۰۸۳	سرمایه فیزیکی و مالی و شفافیت طرز فکر حسابداری
	اثر بخش	۲/۵۱۴	۰/۴۹۲	۰/۱۱۹	سرمایه فیزیکی و مالی و افشای سرمایه انسانی
	اثر بخش	۲/۵۸۶	۰/۵۲۵	۰/۱۳۴	سرمایه فیزیکی و مالی و گزارشگری مسئولیت اجتماعی
عدم رد فرضیه	اثر بخش	۲/۰۳۷	۰/۷۳۱	۰/۱۴۹	مدیریت دانش سازمانی و سازه‌های پایداری مالی
	اثر بخش	۳/۳۶۲	۰/۷۲۵	۰/۲۹۴	سرمایه انسانی و مدیریت دانش سازمانی
	اثر بخش	۲/۰۱۹	۰/۶۸۱	۰/۱۵۷	سرمایه ساختاری و مدیریت دانش سازمانی
	اثر بخش	۲/۱۱۴	۰/۵۷۳	۰/۱۳۶	سرمایه فیزیکی و مالی و مدیریت دانش سازمانی
معیار $Q^2 = 0/291$				ضریب تعیین $(R^2) = 0/622$	

۳-۳-۸. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اصلی اول پژوهش، تأثیر سنجش و افشای ابعاد سرمایه فکری بر سازه‌های حسابداری پایداری بدون حضور متغیر تعدیل‌گر بررسی شده است. نتایج آزمون فرضیه‌ها در جدول (۵) آورده شده است. در جدول مذکور، ضرایب مسیر، ضرایب معناداری و بارهای عاملی متغیرها ارائه شده است. مطابق این جدول، تمامی بارهای عاملی بیشتر از $0/4$ هستند. همچنین ضرایب معناداری تمامی مسیرها، بیشتر از $1/96$ است که حاکی از معنی‌دار بودن تمامی مسیرهای مدل پژوهش می‌باشد. به عبارتی، تمامی فرضیه‌های اصلی اول پژوهش تأیید می‌گردد. همچنین با توجه به ضرایب مسیر محاسبه شده، سنجش و افشای ابعاد سرمایه فکری (انسانی، ساختاری و سرمایه به‌کار گرفته شده) تأثیر مثبتی بر سازه‌های حسابداری پایداری دارند. بنابراین، دلیلی بر رد فرضیه‌های پژوهش وجود ندارد. سرمایه انسانی با میانگین ضرایب به میزان ۲۳ درصد، بیشترین تأثیر و سرمایه فیزیکی و مالی با میانگین ضرایب به میزان ۱۱ درصد، کم‌ترین تأثیر را بر سازه‌های پایداری مالی دارند. همچنین مسیر سرمایه انسانی و افشای سرمایه انسانی، بیشترین ضریب ($0/351$) و مسیر سرمایه فیزیکی و مالی و شفافیت طرز فکر حسابداری، کمترین ضریب تأثیر را دارند.

فرضیه فرعی اول: بین ضریب کارایی سرمایه انسانی و سازه‌های گزارشگری پایداری، رابطه معناداری وجود دارد. متغیر ضریب کارایی سرمایه انسانی به‌طور میانگین به میزان ۲۳ درصد بر سازه‌های گزارشگری پایداری تأثیر دارد. با توجه به معنی‌دار بودن ضرایب مسیر سرمایه انسانی بر سازه‌های حسابداری پایداری، معنی‌دار بودن این فرضیه تأیید می‌شود (عدم رد فرضیه اول).

فرضیه فرعی دوم: بین ضریب کارایی سرمایه ساختاری و سازه‌های گزارشگری پایداری، رابطه معناداری وجود دارد. متغیر ضریب کارایی سرمایه ساختاری به‌طور میانگین به میزان ۱۲ درصد بر سازه‌های گزارشگری پایداری تأثیر دارد. با توجه به معنی‌دار بودن ضرایب مسیر سرمایه ساختاری بر سازه‌های حسابداری پایداری، معنی‌دار بودن این فرضیه تأیید می‌شود (عدم رد فرضیه دوم).

فرضیه فرعی سوم: بین ضریب کارایی سرمایه فیزیکی و مالی و سازه‌های گزارشگری پایداری مالی، رابطه معناداری وجود دارد. متغیر ضریب کارایی سرمایه ساختاری به‌طور میانگین به میزان ۱۱ درصد بر سازه‌های گزارشگری پایداری تأثیر دارد. با توجه به معنی‌دار بودن ضرایب مسیر سرمایه فیزیکی و مالی بر سازه‌های حسابداری پایداری، معنی‌دار بودن این فرضیه تأیید می‌شود (عدم رد فرضیه سوم).

یکی از عواملی که می‌تواند نقش بسیار مؤثری در تسهیل انجام مؤثر اقدامات سنجش و افشای سرمایه فکری داشته باشد، فرآیندهای مدیریت دانش است. مطابق جدول (۵)، با ورود متغیر

مدیریت دانش سازمانی به‌عنوان متغیر تعدیلگر جهت غلبه بر موانع و چالش‌های شناسایی سرمایه فکری، میانگین ضرایب مسیر ابعاد سرمایه فکری در حالت وجود متغیر تعدیلگر مدیریت دانش، بیشتر از حالتی است که متغیر تعدیلگر وجود ندارد و مقدار آن مثبت می‌باشد و همچنین ضرایب معناداری تمامی مسیرها در این حالت بیشتر از ۱/۹۶ است که حاکی از معنی‌دار بودن تمامی مسیرهای مدل پژوهش می‌باشد. به عبارتی، تمامی فرضیه‌های اصلی دوم پژوهش، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود و در فرضیه‌ها، متغیر مدیریت دانش سازمانی با نقش تعدیلگر، شدت رابطه مثبت بین متغیرهای مستقل و وابسته را تأیید می‌کند و مطلوبیت نهایی و شدت رابطه مستقیم موجود، افزایش یافته و شرکت‌ها می‌توانند به سطح بالاتری از گزارشگری پایداری دست یابند.

فرضیه فرعی چهارم: مدیریت دانش سازمانی، رابطه بین ضریب کارایی سرمایه انسانی و سازه‌های گزارشگری پایداری را تعدیل می‌کند. ضریب مسیر سرمایه انسانی با ورود متغیر مدیریت دانش به‌طور میانگین به میزان ۲۹ درصد بر سازه‌های گزارشگری پایداری تأثیر دارد. با توجه به معنی‌دار بودن ضریب مسیر سرمایه انسانی و مثبت و بزرگ‌تر بودن آن، معنی‌دار بودن این فرضیه نیز تأیید می‌شود (عدم رد فرضیه چهارم).

فرضیه فرعی پنجم: مدیریت دانش سازمانی، رابطه بین ضریب کارایی سرمایه ساختاری و سازه‌های گزارشگری پایداری را تعدیل می‌کند. ضریب مسیر سرمایه ساختاری با ورود متغیر مدیریت دانش به‌طور میانگین به میزان ۱۶ درصد بر سازه‌های گزارشگری پایداری تأثیر دارد. با توجه به معنی‌دار بودن ضریب مسیر سرمایه ساختاری و مثبت و بزرگ‌تر بودن آن، معنی‌دار بودن این فرضیه تأیید می‌شود (عدم رد فرضیه پنجم).

فرضیه فرعی ششم: مدیریت دانش سازمانی، رابطه بین ضریب کارایی سرمایه فیزیکی و مالی و سازه‌های گزارشگری پایداری را تعدیل می‌کند. ضریب مسیر سرمایه فیزیکی و مالی با ورود متغیر مدیریت دانش به‌طور میانگین به میزان ۱۴ درصد بر سازه‌های گزارشگری پایداری تأثیر دارد. با توجه به معنی‌دار بودن ضریب مسیر سرمایه ساختاری و مثبت و بزرگ‌تر بودن آن، معنی‌دار بودن این فرضیه تأیید می‌شود (عدم رد فرضیه ششم).

بر این اساس، همه فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود و می‌توان گفت بین سنجش و افشای ابعاد سرمایه فکری با سازه‌های حسابداری پایداری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و همچنین متغیر مدیریت دانایی سازمانی دارای نقش تعدیل‌گری بوده و شدت رابطه مثبت بین ابعاد سرمایه فکری و وابسته پژوهش را تشدید می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که فرضیه نقش تعدیل‌کنندگی مدیریت دانش در رابطه بین ابعاد سرمایه فکری و سازه‌های حسابداری

پایداری، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

۹. نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه اطلاعات مالی منتشر شده توسط شرکت‌ها، در دسترس‌ترین و مهم‌ترین ابزار برای ارزیابی عملکرد شرکت‌هاست و مبنای قضاوت و تصمیم‌گیری طیف وسیعی از ذینفعان می‌باشد، لذا، در نظر گرفتن تمامی ابعاد و جنبه‌های تأثیرگذار بر کیفیت آن، از اهمیت زیادی برخوردار است. اهمیت این موضوع در حسابداری پایداری با توجه به داشتن ابعاد و سازه‌های مختلف و متنوع، بیشتر می‌شود. از طرفی، در نظر گرفتن ابعاد و مؤلفه‌های به‌روز و نوین در بهبود مطلوبیت کیفیت گزارشگری، بقاء و قدرت رقابت‌پذیری شرکت‌ها را تضمین می‌کند.

با توجه به اهمیت و نقش دانش و سرمایه‌های فکری، بررسی رابطه ابعاد سرمایه فکری و سازه‌های حسابداری پایداری شرکت‌های سرمایه‌گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸، هدف اصلی تحقیق حاضر می‌باشد. جهت آزمون فرضیه‌های شش‌گانه پژوهش، از رویکرد تحلیل مسیر مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. بدین ترتیب، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا براساس شاخص‌های برازش به بررسی مناسب بودن مدل پرداخته می‌شود و سپس روابط علی بین ابعاد سرمایه فکری و سازه‌های حسابداری پایداری و مدیریت سازمانی، از طریق ضرایب مسیر و اعداد معنی‌داری بحث و براساس آن، نسبت به تأیید یا رد فرضیه‌ها تصمیم‌گیری خواهد شد.

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که با توجه به مقدار اعداد معناداری و علامت ضرایب مسیر ابعاد سه‌گانه سرمایه فکری، بین ضرایب کارایی سرمایه‌های انسانی، ساختاری و فیزیکی و سازه‌های پنج‌گانه گزارشگری پایداری شامل آگاهی از اخلاق حسابداری، افشای سرمایه انسانی، شفافیت طرز فکر حسابداری، فعالیت داوطلبانه حسابداری و گزارشگری مسئولیت اجتماعی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و می‌توان گفت که سنجش و افشای ابعاد سرمایه فکری، بر روی سازه‌های حسابداری پایداری مطلوبیت مساعد ایجاد می‌کند و استنباط می‌شود که شرکت‌ها به منظور ارتقای کیفیت گزارشگری پایداری از تمام جنبه‌ها، باید نسبت به شناسایی و افشای سرمایه‌های فکری اقدام کنند. نتایج آزمون فرضیه‌های سه‌گانه فرضیه اصلی اول نشان داد که بین سنجش و افشای ابعاد سرمایه فکری با سازه‌های حسابداری پایداری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. پی بردن به نقش مثبت اجزای سرمایه فکری بر شاخص‌های حسابداری پایداری و بهبود آنها برای شرکت‌ها اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا توجه مدیران شرکت‌ها به هرکدام از اجزای یاد شده موجب ایجاد وضعیتی مساعد و بهینه برای شرکت می‌شود. همچنین، افشای اجزای سرمایه فکری از طریق

افزایش سطح مهارت‌ها، تخصص‌ها و آگاهی و انتشار دانش و اطلاعات در میان کارکنان شرایط ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان‌ها ایجاد کرده و این مزیت رقابتی نیز ارزش افزوده‌ای برای دستیابی به پایداری سازمان‌ها ایجاد خواهد کرد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بازار سرمایه ایران، سرمایه‌های فیزیکی و فکری بر سازه‌های حسابداری پایداری اثرگذار می‌باشند و سنجش و افشای آن‌ها دارای مطلوبیت نهایی مثبت برای پایداری مالی می‌باشد. به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که با افزایش و بهبود افشاء و گزارشگری اجزای سرمایه فکری، کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی شرکت‌ها بهبود قابل‌توجهی می‌یابد. این نتایج، همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد ناشی از این موضوع است که حضور نیروهای ماهر و متخصص، بهبود ساختارها و راهبردهای شرکت و بهبود ارتباط با مشتریان و اتخاذ رویه مناسب جهت شناسایی و افشای آنها باعث می‌شود تا انگیزه و توانایی شرکت در انتشار و ارائه اطلاعات مالی با کیفیت افزایش یابد و در نهایت به بهبود شاخص‌های پایداری در حسابداری کمک خواهد کرد. نتایج آزمون فرضیه‌های سه‌گانه فرضیه اصلی اول نیز نشان داد مدیریت دانش سازمانی، رابطه بین ابعاد سرمایه فکری و سازه‌های گزارشگری پایداری مالی را تعدیل می‌کند. منطق نیاز به مدیریت دانش، بر پایه تغییرات عمده در محیط تجاری و رسیدن به اهداف سازمانی از طریق ایجاد انگیزه در کارکنان و با توجه به استراتژی شرکت است تا توانایی آنها برای تفسیر داده‌ها و اطلاعات بهبود یابد و از این طریق شرکت به ارزش افزوده‌ای فراتر از سرمایه‌های مالی دست پیدا می‌کند. در این پژوهش، با حضور متغیر مدیریت دانش سازمانی جهت غلبه بر موانع و چالش‌های شناسایی سرمایه فکری، ضرایب مسیر مربوط به ابعاد سرمایه فکری بزرگ‌تر شده و موجب تشدید رابطه بین ابعاد سرمایه فکری به‌عنوان متغیر مستقل و سازه‌های حسابداری پایداری به‌عنوان متغیر وابسته می‌شود و میزان همبستگی و مطلوبیت بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش را افزایش می‌دهد و سازمان می‌تواند به سطح بالاتری از پایداری دست یابد. همچنین با بررسی دقیق‌تر اجزای سرمایه فکری در مدل پالیک، می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه‌های انسانی، ساختاری و فیزیکی و مالی به‌ترتیب با میانگین ضرایب ۲۳، ۱۲ و ۱۱ درصدی، بیشترین تأثیر را بر سازه‌های پایداری مالی شرکت‌ها دارند.

از نظر گسترش دامنه اثربخشی مساعد ابعاد سرمایه فکری بر متغیرهای کمی و کیفی حسابداری و مالی، نتایج بدست آمده از این پژوهش، همسو با یافته‌های مساعد و مطلوبی مانند بهبود عملکرد مالی (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۳)، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی (قربانی، ۱۳۹۵؛ فغانی و همکاران، ۱۳۹۸)، افزایش قدرت رقابت و اقتدار شرکت‌ها (امجدی و همکاران، ۱۳۹۷)، تقلیل مشکلات و

مسائل نمایندگی (فغانی و همکاران، ۱۳۹۸)، کاهش هزینه سرمایه (محمدزاده سالطه و همکاران، ۱۳۹۹)، دستیابی به عملکرد رشد پایدار (گمزلج و اسمولچیچ، ۲۰۱۶؛ راستوگی، ۲۰۰۳)، تأثیر مساعد بر سودآوری (کیونگ تینگ و لین، ۲۰۱۷)، افزایش ارزش افزوده برای ذینفعان کلیدی (ونگ و همکاران، ۲۰۱۶)، ارزش آفرینی و دستیابی به مزیت رقابتی (یوسف و همکاران، ۲۰۱۹) و توسعه اقتصادی شرکت (گاراشی و همکاران، ۲۰۲۰)، برای سنجش و افشای سرمایه‌های فکری می‌باشد.

به طور کلی نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که با افزایش و بهبود افشاء و گزارشگری اجزای سرمایه فکری، کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی شرکت‌ها بهبود قابل توجهی می‌یابد. این نتایج، همان طور که پیش‌بینی می‌شد، ناشی از این موضوع است که حضور نیروهای ماهر و متخصص، بهبود ساختارها و راهبردهای شرکت و بهبود ارتباط با مشتریان و اتخاذ رویه مناسب جهت شناسایی و افشای آنها باعث می‌شود تا انگیزه و توانایی شرکت در انتشار و ارائه اطلاعات مالی با کیفیت افزایش یابد و در نهایت به بهبود شاخص‌های پایداری در حسابداری کمک خواهد کرد.

۱۰. محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش

در حال حاضر، برای سنجش و افشای سرمایه‌های فکری و همچنین گزارشگری پایداری توسط شرکت‌ها، الزام قانونی و یا استاندارد مصوب حسابداری در ایران و خارج از ایران وجود ندارد و شرکت‌ها به صورت داوطلبانه و اختیاری برخی از اطلاعات مربوطه را افشاء می‌نمایند. نتایج پژوهش‌های انجام شده جهت افشای الزامی (اجباری) سرمایه فکری، نشان می‌دهد که پذیرش قوانین، مقررات و استانداردهای اجباری باعث افزایش کارکردهای مربوط به آن‌ها می‌شود. بنابراین می‌توان بیان کرد که در شرکت‌های مورد مطالعه، با سنجش و افشای سرمایه فکری می‌توان از طریق برآورده کردن نیازهای ذینفعان، شفافیت پاسخگویی را ارتقاء بخشید. با توجه به توسعه روزافزون استراتژی‌های دانشی و تأثیر آن بر وقوع رقابت شرکت‌ها، توصیه می‌شود که سرمایه‌گذاران و مدیران به این مقوله توجه ویژه داشته باشند و سازمان حسابرسی در زمینه سنجش و افشای الزامی سرمایه‌های فکری، نسبت به تدوین استاندارد جداگانه‌ای اقدام نمایند. لذا، ضرورت تغییر در استانداردهای حسابداری و چرخش به سمت در نظر گرفتن الزامات اندازه‌گیری و گزارشگری سرمایه‌های فکری و گزارشگری پایداری، در کشور ما به شدت احساس می‌شود. بنابراین، با توجه به عدم آشنایی مدیران و سرمایه‌گذاران به اثربخشی ابعاد سرمایه فکری بر جنبه‌های مختلف عملکرد شرکت‌ها، پیشنهاد می‌شود که سازمان بورس اوراق بهادار تهران در این زمینه سمینارها و کلاس‌های آموزشی برگزار کند. همچنین به کارگزاران بورس اوراق بهادار نیز پیشنهاد می‌شود که هنگام ارائه

خدمات مشاوره‌ای به سهامداران و سرمایه‌گذاران، در مورد میزان برخورداری شرکت از سرمایه فکری و تأثیر آن در جهت کسب مزیت رقابتی پایدار افزایش سود، مطالبی بیان دارند. همچنین با توجه به اینکه در این پژوهش از مدل پالیک برای ارزشیابی سرمایه فکری استفاده گردید، لذا، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود اثرگذاری سایر روش‌ها و مدل‌های عمومی ارزشیابی سرمایه فکری (مانند روش‌های مستقیم، ارزش‌گذاری بازار، بازده دارایی‌ها و کارت امتیازی) بر ابعاد و سازه‌های گزارشگری پایداری مالی شرکت را مورد بررسی قرار دهند. بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر و تأثیر ارزشیابی و افشای سرمایه‌های فکری بر کیفیت گزارشگری پایداری، لازم است شرکت‌ها در زمینه شناسایی، کنترل، مدیریت و افشای سرمایه فکری اقداماتی انجام دهند.

۱۱. قدردانی

نویسندگان پژوهش حاضر از تمامی صاحب‌نظران، اساتید، مدیران و کارشناسان که از طریق تنظیم و تکمیل پرسشنامه و ارسال آن، در انجام این پژوهش مشارکت داشته‌اند، کمال سپاس و قدردانی را دارند.

منابع

- اکبریپور شیرازی، محسن؛ کاظمی صفت، دره (۱۳۸۶). مطالعه تطبیقی مدل‌های سنجش آمادگی سازمانی جهت پذیرش مدیریت دانش. در: اولین کنفرانس ملی مدیریت دانش. تهران. موسسه اطلاع‌رسانی نفت، گاز و پتروشیمی، موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.
- امانی، تورج؛ سید نقوی، میرعلی؛ حمیدی، ناصر (۱۳۹۹). طراحی مدل ارتقای سرمایه فکری در نظام دولتی ایران. مدیریت منابع در نیروی انتظامی، سال ۸، شماره ۳، ص ۲۵۰-۲۲۱.
- امجدی، غلامرضا؛ دانش‌فرد، کرم‌الله؛ محمد داوودی، امیرحسین (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی حفظ و نگهداری کارکنان حرفه‌ای با رویکرد اخلاق سازمانی در شرکت ملی نفت. پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۴، ص ۴۷-۶۲.
- ایرجی‌راد، ارسلان؛ اسلام دوست، معصومه (۱۳۹۳). سنجش سرمایه فکری و بررسی رابطه آن با نسبت کیوتوبین و ریسک سیستماتیک بتا. مدیریت دارایی و تأمین مالی، سال ۲، شماره ۴، شماره پیاپی ۷، ص ۹۷-۱۱۰.
- ایزدی‌نیا، ناصر؛ ایمانی، کریم؛ روح الهی، وحید (۱۳۹۲). چارچوب نظری جامع برای افشای داوطلبانه سرمایه فکری. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۷، ص ۲۷-۱۲.
- برگ بید، احمد؛ جعفری، علی؛ صالح‌نژاد، سید حسن (۱۴۰۰). ارائه الگوی ترکیبی سه‌بعدی (مالی، اقتصادی، پایداری) در پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، شماره پیاپی ۵۱، ص ۱۳۲-۱۰۵.
- بهار مقدم، مهدی؛ زین‌العابدین صادقی، صفرزاده، ساره (۱۳۹۲). بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها. حسابداری مالی، (۲۰)۵، ص ۹۰-۱۰۷.
- ثریایی، علی و همکاران (۱۳۹۰). ابعاد و مدل‌های اندازه‌گیری سرمایه فکری. در: همایش منطقه‌ای حسابداری سرمایه فکری، گنبد کاووس.
- حساس یگانه، یحیی؛ حسنی، محمد؛ کاشانیان، شیوا (۱۳۹۰). راهبری: حاکمیت شرکتی منافع چه کسانی را باید تأمین کند؟ حسابداری، شماره ۲۴۰، ص ۹۷-۹۴.
- حیدرپور، فرزانه؛ فولادی، علی (۱۳۹۴). تاثیر ساختار مالکیت بر ارزش‌افزوده سرمایه فکری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۵، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۷، ص ۹۴-۷۹.
- خلیلی، کرم (۱۳۹۸). بررسی تأثیر هوش سازمانی بر جامعه‌پذیری کارکنان با تبیین نقش میانجی فرهنگ سازمانی (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام). توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، سال ۱۴، شماره ۵۳، ص ۱۳۷-۱۲۱.
- دستگیر، محسن؛ عرب صالحی، مهدی؛ امین جعفری، راضیه؛ اخلاقی، حسنعلی (۱۳۹۳). تاثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۶، شماره ۲۱، ص ۳۶-۱.
- دهقان، حجت‌الله (۱۳۹۶). بررسی رابطه سرمایه فکری با عملکرد سازمانی. تحقیقات مدیریت آموزشی، (۲۳)۶، ص ۱۴۰-۱۲۳.
- دیانتی ديلمی، زهرا؛ رمضان، مریم (۱۳۹۲). تاثیر سرمایه فکری بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۲، ص ۵۰-۳۷.
- رحیمیان، نظام‌الدین؛ توکل‌نیا، اسماعیل؛ اسدی، زینب (۱۳۹۰). مسئولیت اجتماعی و پایداری شرکت‌ها. حسابدار رسمی،

شماره ۲۹.

طیبی، محمدرضا؛ آرزو واهبی، وحید؛ نورزاد، ونوش (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سرمایه فکری و بهره‌وری در صنایع تولیدی ایران. *مدیریت بهره‌وری*، سال ۱۲، شماره ۴۷، ص ۳۷-۵۹.

عرفانیان خانزاده، حمید؛ نجف بیگی، رضا؛ دانشور، کرم‌الله (۱۳۹۴). مدیریت منابع انسانی الکترونیک ابزار تحول در بهره‌وری سازمان. *مدیریت بهره‌وری*، ۸(۳۲)، ص ۷-۳۲.

فغانی، مهدی؛ زارعی، حمید؛ سعیدی گراغانی، مسلم؛ دارسنج، سکینه (۱۳۹۸). تأثیر سرمایه فکری بر رابطه بین نظام حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، دوره ۹، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۲، ص ۲۴۶-۲۱۹.

قادری، فرزاد؛ پاک مرام، عسگر؛ قالیباف اصل، حسن؛ بحری ثالث، جمال (۱۴۰۰). توسعه مفهوم سازه‌های حسابداری پایدار و سلامت مالی شرکت‌ها در بازار سرمایه ایران. *حسابداری مدیریت*، ۱۴(۴۸)، ص ۸۷-۱۰۲.

قربانی، بهزاد (۱۳۹۵). تأثیر افشای اختیاری اطلاعات سرمایه فکری بر عدم تقارن اطلاعاتی. *دانش حسابداری مالی*، ۳(۴)، ص ۱۷۳-۱۸۸.

محمدزاده سالطه، حیدر؛ ایبضی، عیسی؛ معجلی‌پور، مهدی (۱۳۹۹). تأثیر سرمایه اجتماعی بر هزینه سرمایه با تأکید بر عدم تقارن اطلاعاتی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۲(۴۶)، ص ۲۰۳-۲۳۱.

مشایخی، بیتا؛ سیدی، سید جلال؛ زرگران یزد، هستی (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۲۱، شماره ۲، ص ۲۷۰-۲۵۱.

نخعی، کریم؛ انصاری، سیده بنت الهدی (۱۳۹۹). بررسی رابطه سرمایه فکری با فرهنگ سازمانی (مطالعه موردی: ادارات شهرستان فردوس). *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، سال ۴، شماره ۴۷، ج ۲، ص ۱۲۰-۱۱۱.

نمازی، محمد؛ ابراهیمی، شهاب (۱۳۸۸). بررسی تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی جاری و آینده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. *تحقیقات حسابداری*، شماره ۴، ص ۲۵-۴.

نمازی، محمد؛ ابراهیمی، شهاب (۱۳۹۰). بررسی تجربی نقش اجزای سرمایه فکری در ارزیابی عملیات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پیشرفت‌های حسابداری*، دوره ۳، شماره ۲، ص ۱۹۷-۱۶۳.

نیکبخت، محمدرضا؛ اسکندری، قربان (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین سرمایه فکری، ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده و نقدشوندگی سهام. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۲۲، شماره ۴، ص ۵۶۰-۵۴۱.

نیکبخت، محمدرضا؛ دیانتی دیلمی، زهرا؛ مومنی، منصور؛ احمدی، حسین (۱۴۰۰). ارائه الگوی ارزیابی چند شاخصه سرمایه فکری. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۳(۴۹)، ص ۱-۳۰.

نیکومرام، هاشم؛ یاری، حسین (۱۳۸۸). بررسی ارتباط سرمایه فکری و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

- Amir, E. & Lev, B. (1996). Value-relevance of nonfinancial information: The wireless communications industry. *Journal of Accounting and Economics*, 22, P.3-30.
- Aragón-Correa, J.A. & Rubio-Lopez, E.A. (2007). Proactive corporate environmental strategies: myths and misunderstandings. *Long Range Planning*, 40(3), P.357-381
- Ball, A. (2002). *Sustainability Accounting in UK Local Government: An Agenda for Research*. The Association of Chartered Certified Accountants. London: University of London.
- Balugani, E., Butturi, M.A., Chevers, D., Parker, D. & Rimini, B. (2020). Empirical Evaluation of the Impact of Resilience and Sustainability on Firms' Performance. *Sustainability*, 12(5), P.1742.

- Berzkalne, I. & Zelgalve, E. (2014). Intellectual Capital and Company Value. *The International Journal Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol.110, P. 887-896.
- Bharathi Kamath, G. (2015). Impact of Intellectual capital on Financial Performance and Market Valuation of Firms in India. *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, Vol. 48, P.107-122.
- Bontis, N. (1998). Intellectual Capital: An Exploratory Study that Develops Measures and Models. *Management Decision*, Vol. 36, No. 2, P.63-76.
- Bowden, H. & Sandlund, E. (2019). Knowledge talk in performance appraisal interviews. *Learning, Culture and Social Interaction*, 21, P.278-292.
- Branco, M.C. & Rodrigues, L.L. (2008). Factors influencing social responsibility disclosure by Portuguese companies. *Journal of business Ethics*, 83(4), P.685-701.
- Brennan, N. (2001). Reporting intellectual capital in annual reports: Evidence from Ireland. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 14, P.423-436.
- Bushman, R.M., Piotroski, J.D. & Smith, A.J. (2004). What determines corporate transparency? *Journal of accounting research*, 42(2), P.207-252.
- Cabrilo, S. & Dahms, S. (2018). How strategic knowledge management drives intellectual capital to superior innovation and market performance. *Journal of knowledge management*, Vol. 22, No. 4.
- Cernusca, L. (2007). Ethics in accounting: The WorldCom inc. scandal. *Lex ET Scientia Int'l J.*, No.14.
- Chang, S. L. (2007). *Valuing intellectual capital and firms' performance: Modifying value added intellectual coefficient in Taiwan IT industry*. Ph.D. Dissertation. Ageo School of Business, University of Golden Gate, USA.
- Chen, J., Zhu, Z. & Xie, Y.H. (2004). Measuring intellectual capital: A new model and empirical study. *Journal of Intellectual Capital*, 5, P.85-100.
- Chen, M., Cheng, S. & Hwang, Y. (2015). An Empirical Investigation of the Relationship between Intellectual Capital and Firms Market Value and Financial Performance. *Journal of Intellectual Capital*, 6(2), P.159-176.
- Darabi, R. & Salmani, K. (2012). The relationship of disclose of intellectual capital components on financial reporting quality. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 4, P.1016-1026.
- Delgado-Verde, M., Martin-de Castro, G. & Amores-Salvado, J. (2016). Intellectual capital and radical innovation: Exploring the quadratic effects in technology-based manufacturing firms. *Technovation*, 54, P.35-47.
- Foster, D. & Jonker, J. (2005). Stakeholder relationships: the dialogue of engagement. *Corporate Governance: The international journal of business in society*, 5(5), P.51-57.
- Francis, J. & Schipper, K. (1999). Have financial statements lost their relevance? *Journal of Accounting Research*, 37, P.319-352.
- Garriga, E. & Melé, D. (2004). Corporate social responsibility theories: Mapping the territory. *Journal of business ethics*, Vol. 53, No. 2, P. 51-71.
- Gomezelj Omerzel, D. & Smolčić Jurdana, D. (2016). The influence of intellectual capital on innovativeness and growth in tourism SMEs: empirical evidence from Slovenia and Croatia.

- Economic Research-Ekonomika Istraživanja*, 29(1), P.1075–1090.
DOI:10.1080/1331677X.2016.1211946.
- Holland, J. (2003). Intellectual capital and the capital market: Organisation and competence. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 16, P.39-48.
- Huang, C.F. & Hsueh, S.L. (2017). A study on the relationship between intellectual capital and business performance in the engineering consulting industry: a path analysis. *Journal of Civil Engineering and Management*, 5(4), P. 265-271.
- Ibikunle, J., Chiedu oba, V. & Nwufu. C. (2013). Determinants of intellectual capital disclosure in Nigeria. *CECONOMICA*, 9(6), P.195-206.
- Kianto, A. & Ritala, P., Vanhala, M. & Hussinki, H. (2018). Reflections on the criteria for the sound measurement of intellectual capital: A knowledge-based perspective. *Critical Perspectives on Accounting*, 57, P.1-15.
- Kiong Ting, I.W. & Lean, H.H. (2017). Intellectual capital performance of financial institutions in Malaysia. *Journal of intellectual capital*, 10(4), P.588-599.
- Lambert, R., Lenz, C.H. & Verrecchia, R.E. (2006). Accounting Information Disclosure & the Cost of Capital. *Journal of Accounting Research*, 45(2), P.385-420.
- Li, J., Pike, R.H. & Haniffa, R.M. (2007). *Intellectual Capital Disclosure in Knowledge Rich Firms: The Impact of Market and Corporate Governance Factors*. Working Paper.
- Malik, A., Froese, F.J. & Sharma. P. (2020). Role of HRM in knowledge integration: Towards a conceptual framework. *Journal of Business Research*, 109, P.524-535.
- Martinez, J., Livio, C., Ferrandiz, E., Greco, M. & Grimaldi, M. (2020). Joint forces: Towards an integration of intellectual capital theory and the open innovation paradigm. *Journal of Business Research*, 112, P.261-270.
- Martinez, J., Sanchez, I. & Ballesteros, B. (2015). Effect of financial reporting quality on sustainability information disclosure. *Corporate social responsibility and environmental management*, Vol.22, P.45-64.
- Mouritsen, J., Bukh, P.N. & Marr, B. (2004). Reporting on intellectual capital: why, what and how? *Measuring Business Excellence*, Vol.8, P.46-54.
- Novas, J.C., Sousa, A. & Alves, M. (2016). About the relations between Management Accounting Systems, Intellectual Capital and Performance. *Advanced Research in Scientific Areas*, Vol. 3, No.7, P. 589-596.
- Petty, R. & Guthrie, J. (2000). Intellectual capital literature review: measurement, reporting and management. *Journal of intellectual capital*, 1(2), P.155-176.
- Piri, M., Zahedi, M.R., Goodarzi, E.V. & Mohammadpanah, M. (2020). Proposing a model for dynamical computing the risk of knowledge domains in the organizational knowledge map. *VINE Journal of Information and Knowledge Management Systems*,
DOI: <https://doi.org/10.1108/VJIKMS-07-2019-0110>
- Qurashi, I.A., Khaliq, M., Ramayah, T., Bontis, N. & Yaacob, M.R. (2020). Impact of intellectual capital on innovation in pharmaceutical manufacturing SMEs in Pakistan. *International Journal of Learning and Intellectual Capital*, 17(1), P.61-76.
- Rastogi, P.N. (2003). The nature and role of IC. *Journal of Intellectual Capital*, 4(2), P.227–248.

DOI: 10.1108/14691930310472848

- Riahi-Belkaoui, A. (2003). Intellectual capital and firm performance of US multinational firms: a study of the resource based and stakeholder views. *Journal of Intellectual Capital*, 4(2), P.215-226.
- Roselender, R. (1997). Accounting for the Worth of Employees: Is the Discipline Finally Ready to Respond to the Challenge? *Journal of Human Resource Costing and Accounting*, Vol. 2, No. 1.
- survival: An empirical examination of Thai listed firms. *Journal of Academy of Business and Economics*, 11(3), P.1-28.
- Sveiby, K. (1997). The Intangible Assets Monitor. *Journal of Human Resource Costing and Accounting*, Vol. 2, No.1.
- Taplin, J.R.D., Bent, D. & Aeron-Thomas, D. (2006). Developing a Sustainability Accounting Framework to Inform Strategic Business Decisions: A Case Study from the Chemicals Industry. *Business Strategy and the Environment*, Vol. 15, No.5, P. 347-360.
- Ting, I. & et al. (2020). Interpreting the dynamic performance effect of intellectual capital through a value-addedbased perspective. *Journal of Intellectual Capital*, Vol.21, No.3, P.381-401.
- DOI:** 10.1108/JIC-05-2019-0098.
- Wang, Z., & Wang, N., Cao, J. & Ye, X. (2016). The impact of intellectual capital, knowledge management strategy fit on firm performance. *Management decision*, 54(8), P.1861-1885.
- Yen, B., Chong, A.L. & Arokiasamy, L. (2019). Review of Empirical Research on Intellectual Capital and Financial Performance in the Banking Sector. *Global Business & management Research*, Vol.11, No.1, P. 538-550.
- Yu, A.L.L. & Kourti, I. (2017). The role of Intellectual Capital Reporting (ICR) in organizational transformation: A discursive practice perspective. *Critical Perspectives on Accounting*, 41(4), P.1-15.
- Yusoffa, Y. & KhalilOmar, M. (2019). Do all elements of green intellectual capital contribute toward business sustainability? Evidence from the Malaysian context using the Partial Least Squares method. *Journal of Cleaner Production*, Vol.234, P.626.
- Zahedi, M.R. & Papoli, S. (2018). Studying the Relationship between the Knowledge Management Processes and Intellectual Capital in a Knowledge-Based Research Center. *International Journal of Research in Business Studies and Management*, 5(12), P.1-19.